



انترناسیونال ۴۶۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



منصور حکمت www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۶ تیر ۱۳۹۱، ۶ جولای ۲۰۱۲ - ۱۶ صفحه

طرح هدفمند کردن یارانه ها و بن بست رژیم

حاملهای انرژی در فاز دوم از دستور دولت و منتفی شدن افزایش یارانه های نقدی به مردم سخن میگوید. بنا بر وعده های داده شده

یارانه های حکومت است. سید شمس الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی در گفتگویی با خبرنگار مهر از خارج شدن افزایش قیمت

شهلا دانشفر

خبرها حاکی از پس کشیدن تدریجی دولت در به اجرا گذاشتن مرحله دوم طرح هدفمند کردن

ادامه صفحه ۲

روایهای مضحک رضا پهلوی

معلوم نیست که چه نیروی ماوراء الطبیعه ای ایشان را بعنوان یک شخصیت بیطرف برای ایجاد وحدت در جامعه تعیین کرده است. معلوم نیست که معیار ایشان برای یکدست بودن یا یکدست نبودن جامعه چیست.



بهروز مهرآبادی

فوکوس آنلاین توضیح می دهد که در سنجش با اسپانیا ایران زمان محمد رضا شاه چندان دمکراتیک نبود. رضا پهلوی پاسخ می دهد: "پدرم بر این باور بود که باید ابتدا به مردم تا حدی آموزش بدهد تا دمکراسی امکان پذیر شود. می خواست ابتدا جامعه مدنی ایجاد کند. نظامش اصلاح پذیر بود و در آخر هم با اصلاحات موافقت کرد."

مصاحبه نشریه آلمانی فوکوس آلمان با رضا پهلوی در نظر اول شوخی بنظر می رسد. خواننده خوشبین ممکن است تصور کند که شاهزاده مزاح می فرمایند. اما با ادامه مطلب متوجه می شویم که مطلب خیلی هم جدی است و آرزو ها و امیال ملوکانه

از این پاسخ ها می توان فرهنگنامه سیاسی نوینی تدوین کرد. هنوز میلیونها شاهد زنده در ایران وجود دارند که می توانند معنی آموزش های محمد رضا شاه را بیان کنند و میلیونها سند وجود دارد که معنی آموزش دمکراسی شاهانه را روشن سازد: "صدها مورد مورد اعدام زندانیان سیاسی، انواع مختلف شکنجه از قبیل آپولو و اتو برقی، سرکوب هزاران تظاهرات، تعطیلی صدها نشریه، سانسور هزاران کتاب، بستن در همه احزاب سیاسی که کوچکترین

را می خوانیم. رضا پهلوی در پاسخ به اولین سوال از آرزوی بر سر گذاشتن تاج شاهی سخن می گوید و تاکید می کند که "بنا به قانون شاه ایرانم". او سلطنت را شکل مناسب حکومتی برای ایران و شاه را شخص بیطرفی برای وحدت در جوامعی که یکدست نیستند، می داند. و آنرا با اسپانیای بعد از فرانکو مقایسه می کند. بدون تردید استناد ایشان به قانون عقب مانده مشروطه است که میلیونها نفر مردم در تظاهرات های پر شکوه سال ۵۷ ابطال آن را اعلام کردند. ولی

ادامه صفحه ۵

تحریم اقتصادی سلاح کشتار جمعی است

خود بر صادرات نفتی اتکا دارد یک ضربه اساسی است. با اجرا درآمدن تحریم های اتحادیه اروپا که دومین وارد کننده

سیستم بانکی و شرکت های بیمه که به امر صادرات نفت مشغولند، مستقیماً مورد هدف تحریم ها قرار گرفته اند. این، برای اقتصاد ایران که برای ۸۰ درصد از درآمدهای

خلیل کیوان

تحریم های اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا بیش از پیش گزنده میشوند. صنعت نفت که اساس اقتصاد ایران را تشکیل میدهد و

ادامه صفحه ۳

ما واقعی هستیم!

مصاحبه فریده آرمان از رادیو همبستگی مالمو با مرسده قانلی زندانی سیاسی و یکی از شاهدان در دادگاه ایران تریبونال، دادگاه رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی

ادامه صفحه ۱۱

بازتاب هفته

بیمه های درمانی در آمریکا، یک جدال انتخاباتی

شهاب بهرامی

سوریه: شکست توطئه و "تقلاهای دیپلماتیک" ژنو و قاهره!

محمد شکوهی

صفحه ۴

صفحات دیگر

سه روز سفر به برزیل، سخنرانی در کنفرانس بین المللی زنان

هجوم فاشیستی جمهوری اسلامی به شهروندان افغان تبار جنایت علیه کل جامعه و برای ارباب مردم است

پیام اصغر کریمی به مراسم بزرگداشت شیرخان نبوی در کلن

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

طرح هدفمند کردن یارانه ها و بن بست رژیم



شهلا دانشفر

از صفحه ۱

قرار بود که با اجرای مرحله دوم طرح ریاضت اقتصادی حکومت، یارانه های نقدی از ۴۵ هزار و پانصد تومان به مبلغ ۷۳ هزار و پانصد تومان افزایش یابد و این مبالغ ظاهرا بدون محاسبه یارانه ۹ ماهه ۲۸ هزار تومانی نان بود. اما موضوع به طور واقعی از چه قرار است.

سیر تا کنونی اجرای طرح هدفمند کردن یارانه های رژیم

طرح جنجالی "هدفمند کردن یارانه ها"، طرح ریاضت اقتصادی رژیم اسلامی، طرحی بود که اساسش بر چپاول افسارگسیخته مردم گذاشته شده و تنها امید حکومت برای برون رفتن از بحران عمیق اقتصادی اش بود. مدتها طول کشید که جناحهای مختلف حکومت به سر هم کوبیدند، از خطرات اجتماعی اجرای چنین طرحی سخن گفتند، از اینکه بصورت شوک مصرفی یا تدریجی به اجرا در آید بحث کردند و عاقبت احمدی نژاد بعنوان قهرمان اجرای این طرح که البته خامنه ای نیز پشتش بود پا به جلو گذاشت و دست بکار اجرایش شد. این طرح از آذر ماه سال ۱۳۸۹ به اجرا گذاشته شد و محور اصلی آن قطع سوبسید کالاها حامل انرژی از جمله برق، گاز، آب و بنزین بود که با به اجرا گذاشته شدن مرحله اولش و صدور قبض های سنگین

نظرشان بود صادر کردند و اعلام داشتند که در سه ماهه اول سال قبضها افزایشی نخواهد داشت.

البته طرح "هدفمند کردن یارانه ها" همانطور که بالاتر نیز اشاره کردم طرحی بود که خامنه ای پشتش بود. اما دیری نپایید که با سرشاخ شدن احمدی نژاد با جناح خامنه ای، ادامه اجرایش به موضوع کشاکش این دو جناح و شکافهای بیشتری در درون حکومت تبدیل شد. به این معنی که احمدی نژاد که همه آس برنده اش به دست گرفتن این طرح بود، میخواست که به هر قیمتی شده آنرا اجرایی کند. در مقابل جناح خامنه ای همه تلاشش گرفتن این برگ برنده از دست احمدی نژاد و بعضا سنگ اندازی بر سر اجرای آن توسط دولت بود. تا جاییکه دیدیم احمدی نژاد برای پرداخت نقدی یارانه حتی از صندوق ذخیره دولتی و منابع دیگر پول برداشت کرد. بطوریکه بحث بر سر کسری بودجه ۱۵ هزار میلیاردی دولت، عدم پرداخت ۳۰ درصد از درآمد حاصل از زدن یارانه ها به کارفرمایان که در واقع همان آقا زاده ها بودند و نیز دریافت ۵۰ میلیارد تن خواه گردان از محل بانک مرکزی بالا گرفت و حتی برخی از نمایندگان مجلس اشاره بر این داشتند که احمدی نژاد با صرف این هزینه ها میخواهد در انتخابات بعدی رای بخرد.

در جریان همین کشاکش ها بود که آمار و ارقام بسیاری از ناکامی های اجرای این طرح در رسانه های دولتی انتشار یافت. از جمله احمد توکلی از اینکه سال ۹۰ دولت ۶۲ هزار میلیارد تومان درآمد حاصله از طرح هدفمند کردن یارانهها باید داشته باشد و از عواقب آن و پاره شدن طناب نظامشان سخن گفت. خامنه ای در سال گذشته طی اظهاراتی کارنامه اقتصادی دولت را منفی اعلام کرد و از رشد منفی اقتصاد، از افزایش بیکاری، تورم و متحقق نشدن اهداف "سند برنامه بیست ساله" و

عملی نشدن اهداف طرح یارانه ها و دیگر مشکلاتشان سخن گفت. بعدا نیز غلامرضا مصباحی مقدم رئیس "کمیسیون طرح تحول اقتصادی" در مجلس طی سخنانی مبنی بر اینکه تحقق رقم ۵۴ هزار میلیارد تومان که در بودجه بعنوان درآمد قطع یارانه ها اعلام شده غیر ممکن است، اعتراف کرد که دولت برای پرداخت یارانه های نقدی به مشکل کسر بودجه برخورد کرده است.

سرنجام در آستانه یکساله شدن اجرای این طرح کمیسیون "کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی" مجلس اسلامی با اعلام عدم تامین منابع مورد نیاز قانون "هدفمند کردن یارانه ها" از محل اصلاح قیمت های حامل های انرژی از کسری بودجه ۱۵ هزار میلیاردی سخن گفت. تا جاییکه این کمیسیون خواستار کشیده شدن ترمز ماشین هدفمند کردن یارانه ها در ادامه اجرایش شد و استقراض از بانک مرکزی برای پرداخت یارانه نقدی را موجب افزایش نرخ تورم دانست.

اکنون گفته های سید شمس الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارای جمهوری اسلامی با خبرنگار مهر مبنی بر عدم افزایش قیمت حاملهای انرژی در فاز دوم و منتفی شدن افزایش یارانه های نقدی را نیز باید در متن چنین شرایطی دید. این گفته ها به عبارتی اعلام ضمنی شکست طرح "هدفمند کردن یارانه ها" و بن بست همه جانبه رژیم اسلامی است.

بدین ترتیب شکست طرحهای اقتصادی حکومت، همراه با تشدید هر روزه تحریم های اقتصادی بین المللی علیه جمهوری اسلامی، بویژه شروع تحریم های گسترده نفتی و مالی اروپا و آمریکا در ۱۱ تیرماه، باعث فلج کامل اقتصاد جمهوری اسلامی شده و حکومت را با یک بن بست تمام عیار روبرو ساخته است.

اما نکته مهم اینجاست که رژیم اسلامی بار بحران، بار تحریم، بار همه شکست هاییش را میخواهد بازمه بر کرده مردم تحمیل کند. برای همین است که تهاجمات بیشتری را بر زندگی و معیشت مردم در دستور هر روزه اش دارد. از همین روست که کل این وضعیت به گرانی و فقر و فلاکت موجود در ایران ابعاد بازمه ناپود کننده تری داده است. در ماه اخیر ۴ میلیون خانواده کارگری از لیست کسانی که یارانه ماهانه ۲۸ هزار تومانی نان شاملشان میشود، حذف شدند. همچنین تحت عنوان تهیه لیست کسانی که به آنها در مرحله دوم اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها، یارانه نقدی تعلق خواهد گرفت، توسط شوراهای اسلامی محلات فرم هایی به مردم داده شده تا پر کنند و بعد هم معلوم گردید، هدف حذف عده کثیری از مردم تحت عنوان اینکه استاندارد زندگی شان از خط فقری که مد نظر جانیان اسلامی است، بالا تر بوده است، از لیستشان بوده است. اکنون هم سید شمس الدین حسینی با این سخنان خود دارد آب پاکی روی دست همه میریزد که اصلا خبری از پرداخت یارانه نقدی به احد الناسی نخواهد بود.

بدین ترتیب در شرایطی که تورم و گرانی بیداد میکنند. اقتصاد جامعه بطور کامل در هم ریخته است و قیمت ها روزانه و ساعتی افزایش می یابد، مردم بدون هیچگونه تائیمینی به دام فقر و گرسنگی بیشتر رها شده اند.

طرح هدفمند کردن یارانه ها و مردم

همانطور که اشاره کردم طرح هدفمند کردن یارانه ها طرح تحمیل فقر، گرانی و فلاکت باز هم بیشتر بر کارگران و مردم بود که رسما و بیشرمانه علیه مردم به اجرا گذاشته شد. رژیم تلاش کرد این فلاکت را با ادعای پرداخت

ادامه صفحه ۶

تحریم اقتصادی سلاح کشتار جمعی است



خلیل کیوان

از صفحه ۱

نفت ایران بود، از اول ماه جولای، واردات نفت ۲۷ کشور عضو این اتحادیه که ۶۰۰ هزار بشکه در روز و معادل ۱۷ درصد صادرات نفتی ایران است، متوقف شد. با شروع این تحریم ها استفاده نفتکش‌های ایرانی از بیمه‌های اروپایی نیز ناممکن شد. اتحادیه اروپا پس از چین دومین وارد کننده نفت ایران بود.

آمریکا اعلام کرد برای کشورهایی که واردات نفتی خود از ایران را کاهش ندهند مجازات‌های بانکی و مالی را به اجرا در خواهد آورد. بدنبال این، کره جنوبی واردات نفت خود از ایران را که

معادل ۱۰ درصد صادرات ایران بود را متوقف کرد. از سوی دیگر دولت آمریکا برای ده کشوری که واردات نفتی خود از ایران را کاهش داده اند معافیت از تحریم ها را قائل شده است. چین، ترکیه، هند و مالزی از جمله این کشورها هستند.

تولید و صادرات نفتی ایران شدت کاهش یافته است. بعلاوه مشکل صادرات نیز، در حدود ۴۲ میلیون بشکه از نفت تولیدی در تانکرهای نفتی و شناورها ذخیره شده اند. به گفته آژانس بین‌المللی انرژی، سال گذشته صادرات نفتی ایران ۴۰ درصد کاهش داشته است و از دو و نیم میلیون بشکه در روز به یک و نیم میلیون بشکه رسیده است. با توجه به تحریم های اخیر نیز صادرات از رقم اعلام شده آژانس باز هم کاهش بیشتری خواهد یافت. کاهش قیمت نفت به کمتر از بشکه ای ۱۰۰ دلار نیز بر خلاف پیش بینی های دولت، فشار بیشتری را بر اقتصاد جمهوری اسلامی وارد میکند.

تشدید تحریم ها تاثیرات خود را بر رابطه غرب و جمهوری

اسلامی و همچنین بر صفوف جمهوری اسلامی و مهمتر از همه بر زندگی روزمره مردم گذاشته است. تخاصم غرب و جمهوری اسلامی بر متن این تحریم ها تشدید شده و رجز خوانی های جنگی آنها نیز افزایش یافته است. هر چند موقعیت هیچکدام از دو طرف برای دست زدن به تقابل نظامی مهیا نیست اما این رجزخوانی ها وضعیت وخیم اقتصادی را بیش از پیش بحرانی تر میکند.

مردم زیر بار طاقوت فرسای گرانی خرد میشوند. تورم لحام گسیخته و افزایش قیمت کالاهای اساسی و مورد نیاز روزانه، بخش بزرگی از جمعیت کشور را با مشکل بقا روبرو کرده است. رشد شتابان قیمت ها ادامه وضع موجود را برای مردم غیر قابل تحمل کرده است. متخصصین اقتصادی جمهوری اسلامی از فقر گسترده و عمیق و رو به ازدیاد سخن میگویند. در حالیکه این متخصصین خط فقر در تهران را بین یک میلیون تا یک میلیون و ششصد هزار تومان برآورد میکنند، دستمزد پایه یک کارگر کمتر از چهارصد هزار تومان است. در چنین شرایطی برای اکثریت عظیم مردم زندگی عذاب آور و به

یک کابوس روزانه بدل شده است. سوء تغذیه و گرسنگی و تشدید ده ها معضل اجتماعی دیگر در متن وضعیت حاضر گریبان جامعه را گرفته است.

جمهوری اسلامی با تاکید بر ادامه غنی سازی و آمریکا و اتحادیه اروپا نیز با بکارگیری سلاح کشتار جمعی تحریم اقتصادی، مسئول وضعیتی هستند که مردم در آن گرفتار آمده اند. واقعیت این است که هیچ حکومتی در نتیجه تحریم های اقتصادی ساقط نشده است. و نه فقط این بلکه، در اغلب موارد حتی حکومت ها تن به سازش نیز نداده اند. کوبا بیش از نیم قرن است که تحت شدیدترین تحریم های اقتصادی است اما، عقب نشینی های قابل توجهی در مقابل تحریم ها در این کشور رخ نداده است. حکومت های نژاد پرست آفریقای جنوبی و رودزیا هم که بیش از ۱۴ سال تحت محاصره اقتصادی قرار گرفتند، نهایتا به واسطه تحریم ها ساقط نشدند بلکه، با حمایت گسترده جنبش های آزادیخواهانه بین المللی و با مبارزه متحد و یکپارچه مردم در کشورهای فوق تسلیم شدند. صدام نمونه متاخرتر بود. حکومت صدام پس از یک دهه

تحریم اقتصادی هنوز روی پا ایستاده بود. بیش از ده سال محاصره اقتصادی عراق و تحمیل فقر گسترده به مردم این کشور سر انجام حکومت صدام نه با تحریم بلکه با هجوم نظامی غرب از پای در آمد که در نتیجه آن کشور عراق به تباهی کشانده شد.

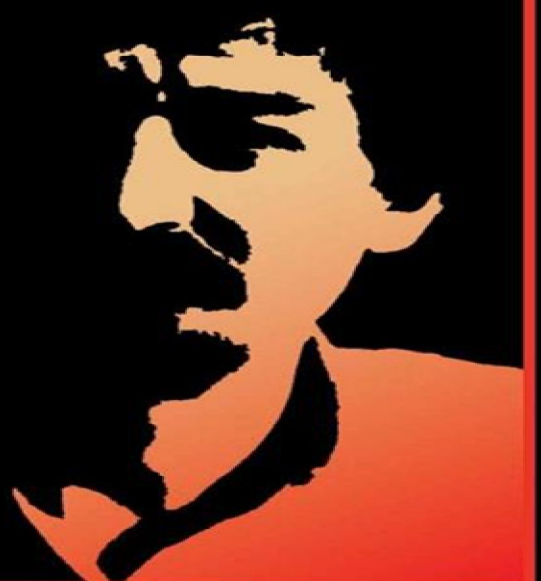
عراق نمونه بارزی از بکارگیری سلاح کشتار جمعی محاصره اقتصادی علیه مردم یک کشور است. ذکر فقط یک نمونه از نتایج مخرب محاصره اقتصادی در عراق کافی است تا به عمق این سیاست کشتار واقف شد. طی ده سال بواسطه کمبود دارو و مواد غذایی بیش از نیم میلیون کودک زیر ۵ سال جان خود را از دست دادند.

اصرار جمهوری اسلامی بر ادامه غنی سازی و تاکید کشورهای ۵+۱ بر تشدید و ادامه تحریم ها تکرار سناریو جنایتکارانه ای است که پیشتر در عراق عملی شد. باید جامعه ایران را از تکرار این سناریو رها کرد. از اینرو، مردم باید به میدان بیایند و با اعتراضات گسترده در سراسر کشور و اعتصاب عمومی رژیم را از پای درآورند و مقدرات کشور را خود بدست گیرند.*

در دهمین سالگرد مرگ منصور حکمت

در ستایش از مبارزه برای شریفترین آرمانهای بشری در گرامیداشت عمری تلاش برای آزادی و برابری و سوسیالیسم با ما همراه شوید

زمان: جمعه ۶ جولای، ساعت ۷ عصر
مکان: استکهلم، هوسبی ترف Husby Träff
تلفن تماس: سیما بهاری 0707432547
حزب کمونیست کارگری ایران



بازتاب هفته

بیمه های درمانی در آمریکا، یک جدال انتخاباتی



شهاب بهرامی

روز پنجشنبه ۲۸ ژوئن، "دیوان عالی" آمریکا رأی خود را بنفع "قانون اصلاح بیمه های درمانی" باراک اوباما رئیس جمهور، صادر کرد. طرح اصلاح این قانون از طرف "حزب دمکرات" این کشور، از دهه شصت میلادی تا به امروز یکی از پیچیده ترین و پر سر و صدا ترین مسائل مطرح در جامعه آمریکا بوده است. به عقیده برخی از ناظران سیاسی، نتیجه و سرنوشت این طرح، سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبر امسال را رقم خواهد زد. بنابراین اهمیت تصویب و یا رد این قانون، برای هر دو حزب دمکرات و جمهوریخواه، با توجه به انتخابات ماه نوامبر، مسئله ای حیاتی بوده و طرفین را به کارزار تبلیغاتی سنگینی بر علیه هم کشانده است. بیش از پنجاه میلیون نفر از کارگران و مزد بگیران شاغل و بیکار و رنگین پوستان آمریکا، از داشتن هرگونه بیمه درمانی محروم و فاقد توان خرید نوعی بیمه خصوصی هستند. با اجرای "قانون اصلاح بیمه درمانی"، حدود سی و دو میلیون از این تعداد، زیر پوشش طرح مذکور قرار می گیرند، این قانون که دو سال پیش به تصویب مجلس سنا و کنگره ملی آمریکا رسید به عنوان برجسته ترین لایحه

آقای اوباما در طول مدت ریاست جمهوریش تلقی می شود بویژه آنکه توانست رأی کنگره را بدست آورد، کاری که "هری ترومن" و "بیل کلینتون" دو رئیس جمهور گذشته آن کشور از عهده اش بر نیامده و ناکام صحنه سیاست را کنار نهادند.

یکی از دلایل اصلی مخالفین این قانون و در رأس آنها حزب جمهوریخواه، اجباری بودن این طرح برای شهروندان آمریکائی است و به ماده ای در این طرح اشاره دارند که طبق آن، تمام آمریکائیان تا سال ۲۰۱۴ باید بیمه داشته باشند و گرنه به جریمه نقدی محکوم خواهند شد. مخالفان، براین باورند که اجبار مردم به خرید نوعی بیمه درمانی، مخالف قانون اساسی است زیرا دولت، مردم را مجبور به خرید چیزی می کند که ممکن است به آن نیازی نداشته و یا از عهده مخارج آن بر نیایند. جمهوریخواهان اصرار می ورزند که دولتی کردن خدمات درمانی، سوسیالیستی کردن آن است و با روح آزادی و تلاش و مسئولیت فردی مغایر است. هنگامی که این لایحه بعد از دو سال کشمکش به دیوان عالی ارجاع شد سایه یأس و نومیدی بر سر دمکرات ها و طرفدارانشان چتر گسترد، سه نفر از نه نفر قضات "دیوان عالی" بنامهای "توماس"، "اسکالی" و "آلتیو" بطور رسمی و علنی راجع به این لایحه اظهار نظر کرده و گفته بودند: "بیماران، فقرا و تهیدستان بهتر است خودشان را ملامت کنند که نمی توانند از عهده مخارج زندگی شان برآیند".

محکوم نمودن باراک اوباما و طرفداران این طرح از طرف

جمهوریخواهان و گروه های راست و افراطی در آن کشور، هنوز به معنی حقانیت و مردمی بودن سیاستهای دولت اوباما و حزب دمکرات نیست و دفاعیه ها و استدلالات ایشان نیز چیزی را جمع به حقیقت زندگی میلیونها انسان دردمند در آن جنگل سرمایه نمی گوید، این لایحه حتی رونوشتی بد از مدل سیستم درمانی "دولتهای رفاه" در اروپا و اسکاندیناوی نیست. معلوم است که هر درجه رفاه بیشتر و بهبود زندگی محرومان و لعنت شده های چنین جوامعی، پیشرفتی است و باید مورد حمایت قرار بگیرد ولی این نوع رفرمها از یک گروه خون دیگرند و شادی و کف زدن نمی طلبند، برعکس لازم است به توضیح مسائل پایه ای تری در این رابطه پرداخت، ساختمان بسیار پیچیده مراکز قدرت سیاسی طبقه حاکمه در آمریکا را زیر ذره بین گرفت و نقش هر کدام را در صفحه شطرنج سیاسی آنجا درک کرده و ترسیم نمود.

با تصویب این قانون، بورژوازی آمریکا تن به رفرمی کاملاً هرس شده داد تا در اولین فرصت ریشه اش را هم بکشاند. "میت رامسنی" کاندیدای جمهوریخواهان و رقیب انتخاباتی اوباما که با قانون سراسری اصلاح بیمه مخالف است، قول داده که اگر در انتخابات نوامبر برنده شود این قانون را فسخ خواهد کرد، اما نگرانی واقعی اوباما و مشکل جدی دمکراتها، قبل از هر چیز نه میت رامسنی، قداره بندی از "مورمونها" یا "تی پارتی ها" و "مسیحیان راست افراطی" بلکه معضل لاینحل بیکاری و ادامه بحران اقتصادی در آمریکا است. مؤسسه بین المللی همکاریهای اقتصادی "او ای سی دی" در آخرین گزارش خویش نرخ متوسط بیکاری در ایالات متحده آمریکا را ده درصد و در بعضی از ایالات بین پانزده تا بیست درصد اعلام داشته است. در این گزارش

ادامه صفحه ۱۰

سوریه: شکست توطئه و "تقلاهای دیپلماتیک" ژنو و قاهره! انقلاب ادامه دارد! رژیم اسد باید برود!



محمد شکوهی

در حالیکه کشتار مردم توسط رژیم اسد ادامه دارد، خبرگزاریها خبر کشف ۲۷ مرکز امنیتی، زندان و شکنجه گاههای مخوف رژیم اسد را منتشر کردند. سازمان دیده بان حقوق بشر در این هفته با استناد به مصاحبه ها و گزارشات بیش از ۲۰۰ نفر از زندانیان سابق که موفق به فرار از زندانهای رژیم شده اند، اسامی و مشخصات و محل های ۲۷ مرکز زندان و شکنجه رژیم اسد را شناسایی نماید. علاوه بر این به کمک شاهدان و بازماندگان ۳۰ نفر از عناصر و مسئولان امنیتی و اطلاعاتی رژیم شناسایی شده اند. بیشتر این افراد در لیست تحریمها قرار دارند. با انتشار این گزارش ابعاد دیگری از دامنه سرکوب انقلاب مردم توسط رژیم اسد افشا شده است. سازمان دیده بان حقوق بشر امیدوار است که با ارائه این گزارشات به سازمان ملل، امکان دیدار از این زندانها را فراهم بیاورد. براساس این گزارش دهها هزار نفر در این زندانها تحت وحشیانه ترین شکنجه قرار دارند. همزمان گزارش دیگری توسط "مرکز سوری جمع آوری اسناد"

منتشر شده است که در آن به مرگ ۶۰۳ نفر در مراکز امنیتی بر اثر شکنجه های وحشیانه رژیم اشاره شده است. هر دو گزارش تأیید کرده اند که شکنجه یک روش معمول در ادامه سرکوب انقلاب مردم سوریه توسط رژیم اسد است. براساس گزارشات دیگر از آغاز اعتراضات در سوریه ۱۶ هزار نفر کشته و بیش از ۲۵ هزار نفر دستگیر شده اند. این آمار با استناد به گزارشات مخالفان رژیم، خانواده ها و بازماندگان قربانیان سرکوب ها تهیه شده است. برخی از کارشناسان امور سوریه معتقدند آمار دستگیر شدگان تا ۱۰۰ هزار نفر میرسد.

در کنار انتشار این اخبار در طول همین هفته صدها نفر دیگر نیز توسط نیروهای اسد کشته شده اند. بیشترین این کشتار ها در شهر محاصره شده دوما بوده است. براساس اخبار منتشر شده بعد از چندین هفته محاصره شهر دوما توسط نیروهای رژیم اسد، روز چهارشنبه این هفته ارتش و تانکها وارد شهر شده و به گلوله باران و دستگیری و کشتار مردم ادامه میدهند. همزمان نیروهای مسلح مخالف رژیم اسد خبر از درگیریهای گسترده در بخش های وسیعی از سوریه میدهند.

اما در کنار انتشار اخبار کشتار و سرکوب مردم سوریه توسط رژیم اسد، تقلاهای سیاسی اپوزیسیون هوادار رژیم، عنان و اتحادیه عرب و برخی کشورهای غربی برای پایان دادن به آنچه که

ادامه صفحه ۱۰

روایات مضحک رضا پهلوی

از صفحه ۱

انتقادی به سیستم داشتند، تشکل های کارگری، انجمن های ادبی، سازمان های دانشجویی، سرکوب صدها اعتصاب و اعتراض کارگری از جمله کشتار کارگران جهان چیت تهران، استقرار نیروهای مسلح در دانشگاهها و موارد بیشمار حمله به دانشجویان را نمونه هایی از آموزش دمکراسی نام برد و از امثال پرویز ثابتی و نصیری و شعبان جعفری که از همکاران آن بودند. ساواک و زندانهای اوین، کمیته مشترک، قزلقصر و عادل آباد به منظور آموزش و قانع ساختن مردم به دمکراسی ساخته شده بود. ایران نه با اسپانیا بلکه با شیلی سنجیده می شد و نام شاه در کنار پینوشه قرار می گرفت. محمد رضا شاه حزب رستاخیز را ساخت و حتی احزاب دست ساز نظیر پان ایرانیست را منحل کردند. دوره سرمستی شاه بود و اعلام کرد هر کس نمی خواهد عضو حزب رستاخیز شود می تواند کشور را ترک کند. اینها برای عادت دادن مردم به دمکراسی بود! جناب پهلوی مزاح میفرمایند!

نکات زیادی در این مصاحبه هست که بیشتر به شوخی شبیه است. ایشان ظاهرا هنوز در دوره گورستان آریامهری بسر می برند و خبری از تحولات چند دهه اخیر ندارند. همه هنر شاه این بود که کمونیست ها و اعتراض کارگری و دانشجویی و قطب چپ جامعه را به شکست سرکوب کرد و دست آخوند، دریاری و غیر دریاری را باز گذاشت تا در سال ۵۷ به کمک دولت آمریکا و انگلیس و فرانسه یعنی دوستان شاه، با دست باز انقلاب مردم را مصادره کنند. جمهوری اسلامی به یک معنی محصول خفقان حکومت شاه بود. اگر رضا پهلوی به اسنادی که

بجز در محافل خصوصی، در جای دیگری بیان کنند.

اینکه رضا پهلوی خود را مهاتما گاندی و یا نلسون ماندلا می داند فقط بخاطر بی اطلاعی از تاریخ و شرایط اجتماعی - سیاسی هند و آفریقای جنوبی نیست. او بخوبی می داند که مردم نهاد سلطنت را نمی پذیرند. هر چند بطور مکرر از منتقدین و مخالفین خود می خواهد که به "ژنتیک" او کاری نداشته باشند، اما هر وقت فرصت کند خود را به عنوان وارث تاج و تخت قسم خورده معرفی می کند. بدون شك بدلیل همین عامل "ژنتیک" است که خود را "مسئول" تداوم "نهاد سلطنت بعنوان یک آلترناتیو حکومتی در ایران، معرفی می کند و همچنین به خود به عنوان یکی از رهبران اپوزیسیون راست و سخنگوی "شورای ملی" و یا "کنگره ملی" - به فرض تشکیل شدن آن - لقب دهد.

مصاحبه ها و سخنرانی های رضا پهلوی که در روز های اخیر منتشر شده، بیان کننده دغدغه ها و دلمشغولی های بخش عمده اپوزیسیون راست و اپوزیسیون داخل رژیم است. رضا پهلوی در سخنرانی خود در هلند که در روز ۱۱ خرداد انجام شد، شرط حمایت غرب از اپوزیسیون بورژوازی را ارائه یک آلترناتیو منسجم بیان می کند و می گوید: "صحبت با دولت های مختلف روی این مطالب می چرخید، کدام آلترناتیو؟ کدام تشکل؟" او هشدار و امید می دهد که: "هیچ بهانه ای دیگر نداریم که این کار رو اولاً نتوانیم انجام دهیم و اینکه با انجامش خواهید دید بسیاری از مشکلاتی که تا حال باهاش روبرو بودیم، خیلی درها باز خواهد شد." از سخنان رضا پهلوی به راحتی می توان دریافت که آمریکا و متحدان غربی اش شرط کمک های بیشتر به اپوزیسیون راست و قطع امید کردن از جمهوری

اسلامی را متحد شدن این اپوزیسیون اعلام کرده است. اقتضای کنفرانس مخفی استکهلم در فوریه گذشته و صندلی های خالی واشنگتن در اوایل آپریل تشرتت، بی افقی، حقارت و بی خاصیتی اپوزیسیون راست را نشان داد. رضا پهلوی می داند که هر لحظه امکان دارد مردم به خیابانها بریزند و می گوید: "این پتانسیل هست که میلیونها نفر می تونند جمع بشند". از سوی دیگر از برآمد و قدرت جنبش کارگری هم آگاه است و یادآوری می کند که اعتصاب کارگران شرکت واحد توانست پس از ۱۲ ساعت تهران را فلج کند. او از یکی از فرماندهان سپاه نقل می کند که بیشترین وحشت رژیم از تجمع مردم و تمام تلاش نیروهای سرکوبگر برای ممانعت از جمع شدن آنها است. رضا پهلوی می داند که حتی برای جلب حمایت کارگران حتی به عقب مانده ترین نیروها نظیر اکثریت و یا طیف خانه کارگری ها هم نمی تواند امید داشته باشد و برای توده های مردم هم حرفی برای گفتن ندارد. او این سوال ها را که "کدام برنامه مشخص سیاسی" را دارید و "پاسخ شما به معضلات کارگران چیست"، بی جواب می گذارد. بی دلیل نیست که توسل به جناح هایی از رژیم که به قول او "در درون نظام گیر کرده اند" و یا اصلاح طلبان حکومتی یا "سبزها" بخش مهمی از صحبت های او را تشکیل می دهد. این نیروها یا مستقیماً در سرکوب اعتراضات مردم شرکت داشته اند و یا توانسته اند مانع از به خیابان آمدن مردم شوند.

او اپوزیسیون بورژوازی را و دولتهای غربی را از بروز یک انقلاب و رودرویی آتی مردم با رژیم می ترساند و از آنها می خواهد که برای جلوگیری از چنین شرایطی با هم متحد شوند. بیشترین تکیه او در سخنانش به نیروهایی است که به قول او "در درون نظام گیر کرده اند" و خواهان

داشتن امنیت هستند. به همین دلیل بطور مداوم فراخوان "پرهیز از خشونت" می دهد. برای مردمی که در مقابل یکی از وحشی ترین و خونخوارترین حکومت های تاریخ قرار دارند، فراخوان رضا پهلوی به معنی ساکت شدن در مقابل رژیم و رضایت دادن به انجام تغییرات از درون نظام است. برای ترغیب اپوزیسیون راست رضا پهلوی یادآوری می کند که حتی روسیه و چین هم به شرط حفظ منافعشان حاضرند دست از حمایت جمهوری اسلامی بردارند. "روسیه و چین می دانند که لغزش نظام پیش خواهد آمد و وقتی که این لغزش شروع شد آتموقع محاسبات دیگری خواهند داشت". و وعده می دهد که: "تعجب نکنید اگر چند ماه دیگر سر و کله من در مسکو و یا پکن هم پیدا بشه".

تلاش های رضا پهلوی و سایر سردمداران سرمایه داری خارج از قدرت برای ساختن یک تشکل متحد بی نتیجه مانده است. این "اپوزیسیون" نمی تواند برنامه و سیاستی متفاوت از جمهوری اسلامی ارائه دهد. بدست آوردن سود بیشتر، داشتن نیروی کار ارزان، جلب رضایت بانک جهانی نمی تواند بدون سرکوب و اختناق همراه باشد. همراهی و هم آوایی بخش هایی از نیروهای جدا شده از رژیم با رضا پهلوی به روشنی این واقعیت را نشان می دهد. این را از اظهارات او نیز می توان دریافت.

لحن متفرعانه و توهین آمیز "شاهزاده" نسبت به مردم را در مصاحبه او با مسیح علینژاد در ژانویه گذشته نیز می بینیم. او در این مصاحبه نظرش را در مورد دوران حکومت پهلوی و اختناق و سرکوب آزادی ها در آن دوره این چنین بیان کرد: "ما یک فرهنگی داریم ... و شاید کمبود یک فرهنگ سیاسی اشکال اصلی مسئله در ایران بود، نه فقط یک ساختار حکومتی. شما هر ساختار

طرح هدفمند کردن یارانه ها و بن بست رژیم

از صفحه ۲

یارانه نقدی، به جامعه تحمیل کند. اما در ازای پرداخت چندرقازی در ماه قیمت همه اجناس چندین برابر افزایش یافت و این افزایش هر روزه و سیر صعودی داشته است، بدون اینکه خبری از افزایش سطح دستمزدها باشد. در نتیجه کارگران و توده های میلیونی مردم با همان حقوق های ثابت و یک چهارم زیر خط فقر رسمی اعلام شده دولتی، ناگزیر به تامین کالاهای اساسی زندگی شان با قیمتهای باز هم بالاتری گردیدند.

از جمله بنا بر آمارهای خود حکومت دزدان و قاتلان نرخ قیمت برخی کالاهای اساسی مردم نسبت به سال گذشته تا ۸۱ درصد افزایش داشته است. افزایش قیمت ها هزینه های مسکن، درمان، تحصیل و همه هزینه های زندگی را

کارخانجات بسیاری به تعطیلی کشیده شده اند. بطوریکه خود حکومت از بیکار شدن دویست هزار کارگر در سال گذشته خبر داد. این درحالی است که از ادامه بیکارسازیها تا سال ۹۴ و سونامی بیکاری سخن میگویند.

حکومت اسلامی سرمایه داران، حکومت فقر، گرانی، تورم لجام گسیخته و تحمیل زندگی غیر انسانی و غیر قابل تحمل بر گرده کارگران و کل مردم است.

مردم قبول نمیکنند

شروع طرح ریاضت اقتصادی رژیم اسلامی با اعتراضات گسترده کارگران و مردم همراه بود و در نتیجه همین مبارزات، امروز شاهد شکست انواع و اقسام طرحهایشان هستیم و هم اکنون در برابر تعرض افسار گسیخته ای که رژیم اسلامی بر زندگی مردم وارد کرده است، جامعه در حالتی انفجاری بسر میبرد. جنب و جوش در مراکز کارگری ابعاد گسترده ای پیدا کرده

تواند خاطرات خمینی، هیتلر، عیدی امین و صدام حسین و یا صادق خلخال را بخواند و این "نیات" را نبیند، اما قضاوت تاریخ در مورد آنان ربطی به نیات آنان ندارد. با شنیدن این سخنان می توان رویاهای شیرین شاهزاده را دریافت و ماهیت ادعاهای دفاع از حقوق بشر ایشان را شناخت. اما تاریخ و مردم با "نیات" ایشان کاری ندارند، عملکرد او را مورد قضاوت قرار میدهند. مردمی که خواهان منزلت و معیشت انسانی، آزادی و برابری هستند، مردمی که خواهان برافتادن بساط غارت و استثمار هستند، این رویاها را نقش بر آب خواهند کرد و مجال تحقق به آن نخواهند داد.*

و شاهد طومارهای اعتراضی کارگران در شهرهای مختلف بر سر خواست افزایش فوری دستمزدها و علیه فقر و گرانی هستیم. اعتراضات علیه گرانی نان و گرانی هر روزه مایحتاج زندگی در میان مردم دارد شکل میگیرد و در همین تیرماه بدنبال حذف یارانه ۲۸ هزار تومانی نان ۴ میلیون خانواده، تجمعی اعتراضی در مقابل سازمان هدفمندی یارانه های حکومت برپا شد. همچنین خبر ها گزارش از نصب شعارهای نان، آزادی، برابری در برخی محلات و

سر در برخی نانوایی هاست. اعتراضات کارگری نیز هر روزه و هر روزه در کارخانجات مختلف و در شهرهای مختلف برپاست. همه اینها راهکارهای روشنی در مقابل کارگران و کل مردم علیه تعرضات هر روزه رژیم اسلامی و در دفاع از زندگی و معیشتشان بدست میدهد که از میانشان میتوان بر نکات زیر تاکید گذاشت:

۱- باید وسیعا به اعتراضات کارگران و طومارهای اعتراضی شان بر سر خواست افزایش دستمزدها و علیه تعرضات رژیم اسلامی پیوست و صف اعتراض خود را برای اعتصابات سراسری گسترده سازمان داد.

۲- باید همانطور که قبلا مردم با اعتراضات متحدشان علیه گرانی ایستادند و جنبش وسیع نپرداختن قبض ها را به راه انداختند و توانستند رژیم اسلامی را عقب برانند، امروز نیز این اعتراضات ادامه یابند. وسیعا اعلام کنیم که زیر بار این گرانی نمی رویم. پول قبض ها را نمی پردازیم و در مقابل مراکز مختلف دولتی جمع شد و این اماکن را به صحنه اعتراض خود علیه گرانی نان و گرانی هر روزه قیمت ها تبدیل کرد.

۳- باید نه تنها به حذف یارانه نان ۴ میلیون خانواده ای که در مقابل سازمان هدفمندی یارانه های رژیم تجمع اعتراضی برپا کردند، اعتراض کرد و از مبارزات آنان حمایت و پشتیبانی کرد، بلکه اعلام نمود که یارانه نان باید شامل همه مردم باشد. برق، آب، گاز، مسکن، تحصیل، درمان و بهداشت باید برای همه مردم رایگان باشد. بدین ترتیب با تعرضی سراسری جانیان اسلامی را در منگنه مبارزات خود قرار داد.

تنها راه پایان دادن به این همه فقر و فلاکت و گرانی گسترش مبارزه و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden

روایهای مضحک رضا پهلوی

از صفحه ۵

پرورش ایران بود، نیت بهتر شدن وضعیت اقتصادی کشورمان بود، بالا بردن مقام ایران در سطح بین المللی بود."

رضا شاه و محمد رضا شاه به مردم آموزش دمکراسی می دادند اما مردم لایق نبودند و فرهنگ سیاسی آنها بالا نرفت! ساختار حکومتی و دستگاه خفقان و استبداد و کشتار و غارت بی تقصیر بود. مردم بخاطر فرهنگ سیاسی خود درخواست می کردند تا زندانی و شکنجه و اعدام شوند! رضا پهلوی خود را از واقعیت "نقد تاریخی" بری می داند و در سایه وهم انگیز "نیات" پنهان می شود. چه کسی می

حکومتی ای که داشته باشید، اگر مردم آن مملکت، آن فرهنگ سیاسی کافی را نداشته باشند، حتی اگر بهترین ساختار سیستم و نظام را داشته باشید، حتی اگر بهترین قانون را هم تدوین کرده باشید، الزاما به یک فضای دمکراتیک نمی رسید. و ادامه می دهد: "من خودم را از یک نقد تاریخی بری می دارم، چون این کار را به تاریخ و تاریخ نویسان می سپارم. ولی حداقل می توانم بگویم که نیت چه بود. نیت خدمت به مملکت بود، نیت پیشرفت ایران بود، نیت آموزش و

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

سه روز سفر به برزیل، سخنرانی در کنفرانس بین المللی زنان

مینا احدی



روز شنبه ۳۰ ژوئن پرواز داریم من و پتی دوبنیتا برای سومین بار راهی کشور برزیل هستیم. برای سخنرانی در یک کنفرانس بین المللی زنان. برگزارکنندگان اعلام کرده اند، کنفرانسی بین المللی در مورد زنان در برزیل برگزار میشود و علاوه بر سخنرانانی از برزیل، مهمانانی از سه کشور ایران، افغانستان و کنگو نیز دعوت شده اند.

عنوان کنفرانس اینست: "زنانی که در دنیا منشاء اثر بوده اند، زنانی که دیگران را با فعالیتهای خود مسحور کرده اند."

کشور برزیل بدنبال کمپین جهانی نجات سکینه محمدی آشتیانی از سنگسار، توجه اش به فعالیتهای ما جلب شد. سمپاتی عمومی بسیار زیادی به فعالیتهای ما بویژه علیه سنگسار در این کشور وجود دارد. موضوع سکینه به یک موضوع انتخاباتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری برزیل تبدیل شد، چرا که رابطه حسنه دولت برزیل با جمهوری اسلامی ایران، در این انتخابات به موضوع سکینه و سنگسار و وحشیگری حکومت اسلامی وصل شد و نهادهای مختلف مدافع حقوق

انسانی و بویژه زنان در این کشور به این موضوع حساسیت نشان دادند. دیلما روسوف کاندیدای ریاست جمهوری یک زن بود و در مقابل این سوال قرار گرفت "در مورد سکینه چه میگوید و در مورد رابطه با جمهوری اسلامی ایران حرفش چیست؟" او در یک میتینگ انتخاباتی گفت: بعنوان یک زن از سنگسار منزعج است و برای سکینه هر تلاشی که لازم است را انجام خواهد داد. بدین وسیله ما وارد مسایل سیاسی در برزیل شده و توجه های زیادی بسوی کمیته بین المللی علیه سنگسار جلب شد. اولین بار در برزیل مهمان یک نهاد معتبر به اسم "میلنیوم" بودیم و به همراه آنها به شهرهای "سائوپائولو، ریودوژانیرو و برزیلیا" رفتیم و ملاقات با وزیر حقوق بشر، چند سناتور و نماینده ارشد وزارت امور خارجه برزیل، از جمله فعالیتهای ما در سفر اول به برزیل بود که با انعکاس بسیار گسترده رسانه ای روبرو شد. همواره سوال کلیدی رسانه ها از من این بود، آیا دیلما روسوف سیاست دیگری با ایران دارد یا ادامه سیاست قبلی را در پیش میگیرد؟ از نظر شما روسوف در این رابطه باید چه بکند؟

یک موضوع دیگر مورد علاقه رسانه ها امکان ملاقات روسوف با مینا احدی بود. در اولین سفر پاسخ دفتر ریاست جمهوری به سوال رسانه ها تا لحظات آخر سفر این بود، تمایل دفتر رئیس جمهور این است که این ملاقات صورت گیرد. رسانه ها در مورد اینکه سرنوشت دو زن یعنی روسوف و مینا احدی و اینکه هر دو پارتیزان بوده و علیه

فاشیسم مبارزه کرده اند، مورد بررسی قرار میگرفت و اینکه این ملاقات میتواند بسیار مهم باشد.

دومین بار به دعوت نهاد "تد" به برزیل رفتیم. سخنرانی در کنفرانسی که افراد و یا چهره های سرشناس بین المللی در عرصه هنر و علم و سیاست در آنجا از تاثیرات مهم اشان در زندگی دیگران سخن میرانند، برای من یک افتخار بود. من قرار بود در این کنفرانس در مورد فعالیتهای خود تلاش برای تثبیت تز "جهانشمولی حقوق انسانی" حرف بزنم. این برنامه نیز بسیار موفق بود و رسانه های زیادی این سخنرانی را پوشش خبری دادند. اما بار سوم میرفتیم که بطور ویژه در مورد زنان در ایران حرف بزنیم. برای آماده شدن سخنرانی ام، بارها با مسئولین کنفرانس از طریق اسکایپ تبادل نظر کردیم. سخنرانی ام را به آلمانی نوشته و برای آنها فرستادم، آخرین حرف آنها این بود که در بیست دقیقه بهتر است با نمایش عکس و یا فیلم کوتاه آزاد صحبت کنم و من که خود همواره آزاد سخنرانی میکنم ایتر بیشتر می پسندم. میدانم این بار هم تا آخرین لحظات متن سخنرانی را تصحیح خواهم کرد و تغییر خواهم داد. بر اساس فضای سیاسی که چه موضوعاتی حساسیت بیشتری پیدا کرده و ترکیب حاضرین و اتفاقات چند روز قبل از کنفرانس تمها و موضوعات جا به جا میشوند. بهر حال با کمی استرس بسوی فرودگاه میروم.

جمعه یعنی یکروز قبل از این برنامه مراسم گرامیداشت شیرخان

نسبوی (آسنگران) برادرعزیز همسر محمد آسنگران را در شهر کلن آلمان داریم. این واقعه و این تراژدی در یک هفته گذشته باعث شده بارها اشک بریزم. در مورد افرادی همچون او که در ایران از حقوق انسانی، حقوق زنان و کارگران و از حقوق کودکان دفاع میکنند، نسل نوینی از رهبران جنبش کارگری، عمیقاً ادای احترام کنم. از محمد در فرودگاه خداحافظی میکنم و چهره غمگین او را میبوسم و به سوی اولین مقصد یعنی فرودگاه هیترو میروم.

سفر به برزیل به همراه نازنین، شهلا، فاطمه و دلارا



عزیزان ما را اعدام نکنید

از بالا: دلارا، کبرا، نازنین
پایین: شهلا، فاطمه

یک توقف نسبتاً طولانی در فرودگاه هیترو لندن. یکروز قبل کتاب داستان دو نازنین که نازنین افشین جم و سوزان مکلاند نوشته اند را نازنین افشین جم

زحمت کشیده و برابیم پست کرده است. این کتاب را به همراه دارم و با ولع آنرا میخوانم. هر چند زبان انگلیسی خوب بلد نیستم اما تم برابیم آشنا است و از تجربیات خودم و دیگر اکتورهای این داستان میگوید. معنی خیلی از کلمات را نمیفهمم اما موضوع چون برابیم آشنا است مفهوم کلی آن قابل درک است.

احساس و برداشت من این است که کتاب بسیار جذاب و زیبا نوشته شده است. برای من که بویژه در جریان جزئیات پرونده نازنین و لحظه های مهم این کمپین پر سرو صدا که باعث نجات نازنین فتاحی بودم و همچنین برای من که با زنان زندانی و محکوم به اعدام دیگر که در این کتاب اسمشان به میان می آید همراه بوده و دوست آنها بودم، این کتاب مملو از هیجان و احساسات و در عین حال غم و درد است.

در داخل هواپیما و در سفر طولانی که من و پتی دوبنیتا داریم، مشغول خواندن کتاب هستم و در بعضی جاها میخواهم فریاد بزنم و یا بلند شوم و به مردمی که آرام فیلم نگاه میکنند و یا کتاب میخوانند بگویم این کتاب داستان زندگی زنانی است که در حکومتی فاشیست با همه آرزوها و امیدهایشان اعدام شده و زیر خاک رفتند.... البته ما توانستیم تعداد زیادی را نجات دهیم و فشار عظیمی روی حکومت اسلامی اعمال کنیم، ولی برای تعدادی متأسفانه این فشارها هم موثر واقع نشد، چرا که حکومت اسلامی با طناب دار

ادامه صفحه ۸

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

سه روز سفر به برزیل، سخنرانی در کنفرانس بین المللی زنان

از صفحه ۷



و مورد توجه قرار گرفته اند.

ساعت يك ربع به نه صبح به وقت برزیل به محل کنفرانس در هتل محل اقامت مهمانان است، میرویم. کنفرانس به زبانهای فرانسوی، آلمانی، پرتغالی، انگلیسی است و همزمان به چند زبان که همه مهمانان بفهمند ترجمه میشود. يك خانم بسیار دوست داشتنی آلمانی - برزیلی نیز در کل کنفرانس و سفر من به برزیل قرار است مرا همراهی کند که در همان صبح زود او را ملاقات میکنیم و او مصاحبه های مرا با رسانه های برزیل در روز کنفرانس ترجمه میکند.



محل کنفرانس بسیار شلوغ است و ۸۰۰ نفر اسم نویسی کرده اند و هفتاد شبکه خبری در محل حاضر هستند. بیوگرافی سخنرانان با عکسهای آنها در اختیار حاضرین قرار میگیرد.

در ابتدا سخنرانان با "آنا پائولو پادراو" يك ژورنالیست سرشناس برزیلی و مجری برنامه عکس میگیرند. در آنجا استاندار ساووپائولو و همسرش، وزیر دادگستری، سفیر آمریکا در برزیل و فوزیه کوفی نماینده پارلمان از افغانستان و کاندید ریاست جمهوری در این کشور، اوالد فیلهو منتقد فیلم و مامان ماری از کنگو و بسیاری دیگر حضور دارند.

سپس من و پتی به محل کنفرانس میرویم و سالن بزرگی مملو از جمعیت را می بینیم که بیشتر حاضرین آن زنان هستند.

سخنران اول استاندار ساووپائولو است. گرال دو آلمکین و همسرش سرالو آلمکین پشت میکروفون قرار میگیرند.

برنامه ها با ترکیب فیلم و سخنرانی کوتاه پیش میروند و

مهم و تکان دهنده است.

در این سفر فکر میکردم که چه کار عظیمی در مقابله با اعدام، در دادن چهره به محکومین به اعدام و در دامن زدن به فرهنگ انسانی و احترام به انسان انجام گرفته و چگونه باید در مورد همه اجزا و ابعاد این مبارزه عظیم علیه حکومت اسلامی، علیه فرهنگ انتقام گرفتن و علیه بی حرمتی به انسان حرف زد و این دستاوردها را تثبیت کرد. بنظر من ما موظفیم در مورد این مبارزه و در مورد چهره هایی همچون شهلا جاهد و یا فاطمه حقیقت پژوه، دلارا دارابی و همچنین فعالین سیاسی محکوم به اعدام و اعدام شده یا محکومین به سنگسار بسیار بیش از اینها حرف بزنیم...

برزیل و استقبال از ما در فرودگاه ساووپائولو

ما روز یکشنبه یکم ماه جولای ۲۰۱۲ به فرودگاه ساووپائولو میرسیم. در محل تحویل گرفتن چمدانها می بینم که دو مامور فرودگاه به طرف ما آمده و میگویند که محافظین در بیرون منتظر هستند و ما دو نفر آمده ایم که شما را راهنمایی کنیم.

روز یکشنبه بجز چند مصاحبه، کار دیگری نداریم. فوتبال اسپانیا و ایتالیا را بهمراه چند نفر دیگر در هتل محل اقامت امان نگاه میکنیم و من با هیجان طرفدار اسپانیا هستم و در نهایت از اینکه تیم ایتالیا چهار گل میخورد، همراهان آلمانی ما در این جمع و پتی میگویند باز به ضرر تیم آلمان، که از این تیم ایتالیا چنان شکست سختی خورد... به اطاقهای خودمان میرویم فردا روز مهمی است.

کنفرانس بین المللی زنان، زنانی که دنیا را مسحور کرده

زنده است و هر جا و هر وقت که بتواند اعدام میکند.

برای من بخشهایی از کتاب که در مورد داخل زندان است و از طریق مصاحبه با نازنین فاتحی تهیه شده از جمله آشنایی نازنین فاتحی با فاطمه حقیقت پژوه مادر دو دختر جوان که محکوم به اعدام شده بود و حرفها و شخصیت فاطمه و در عین حال آشنایی نازنین با شهلا جاهد و زنان محکوم به اعدام در اوین که برای آنها کمپین گذاشته ایم، بسیار جالب بود. وجود يك حلقه از روابط انسانی بین زنان محکوم به اعدام که در مورد آنها کمپین گذاشته شده و بدلیل اعتراضات بین المللی بدلیل مطرح شدن اسم آنها در رسانه ها، در زندان هم این زنان حرمت و احترامی داشته و سعی میکردند که روایطی انسانی در بین خود و یا با دیگر زندانیان داشته باشند، تکان دهنده است. ظاهرا اسم رمز در بین این زنان، کلمه "با مینا آشنا هستی" بوده است. این موضوع که آنها امید زیادی به کمپین های بیرون از زندان داشته و لحظات این فعالیتها را تعقیب میکردند و امیدوار بودند که بتوانند نجات پیدا کنند اکنون وقتی میبینم که بسیاری از آنها دیگر در میان ما نیستند بسیار دردناک است. اینکه متأسفانه تعدادی از آنها علیرغم اعتراضات بین المللی اعدام شدند و نتوانستند نجات پیدا کنند، برای من کوهی از غم در سینه ام جا میگذارد و در بخشهایی از کتاب میخوام زار زار گریه کنم.

ولی در عین حال اینکه جنبش علیه اعدام در داخل زندانهای حکومت اسلامی نیز نفوذ کرده نوع دیگری از رابطه و نگاه به زندگی و مسائل آنرا در بین محکومین به اعدام و دیگر زندانیان دامن زده است، بسیار

فوزیه کوفی از افغانستان، بیشتر از روخوانی يك متن بود و در مورد بخشی از مشکلات زنان در افغانستان میگفت.

مامان ماری يك زن قوی و بسیار جالب از کنگو بود. او که تا کنون از روستای خود بیرون نیامده بود، چهار روز در راه بوده تا به ساووپائولو رسیده است. زن با اراده ای است که در محل زندگیش يك سازمان غیر دولتی برای دفاع از حقوق زنان، برای کمک به زنان قربانی تجاوز و جنگ سازمان داده است و در این کنفرانس با اعتماد به نفس از این حرف زد که هر فرد سازمانی که میخواهد

برخی برنامه ها نیز میز گرد و بحث است. در مجموع همه سخنرانها چنان جذاب است که کمتر احساس خستگی میکنم.

يك میزگرد در مورد زیبایی و نگاه زنان و جوانان به این امر و فشار روحی و روانی که روی دختران جوان هست برای لاغر ماندن و زیبا بودن و احساس عدم رضایت از خود، با مصاحبه با جوانان و نظر سنجی های زیادی که انجام گرفته بود بسیار مورد توجه قرار گرفت. بخشی در مورد سینما و زنان در هالیوود بود و يك منتقد فیلم و سینما الگوهای مورد توجه هالیوود را بررسی میکرد و از سرنوشت زنان در این صنعت حرف میزد. سخنرانی

سه روز سفر به برزیل، سخنرانی در کنفرانس بین المللی زنان



<http://video.br.msn.com/watch/video/mina-ahadi-apedrejar-mulheres-e-uma-barbaridade-isso-precisa-parar/26gdcs0wc>

<http://noticias.r7.com/internacional/noticias/-a-proxima-revolucao-no-ira-sera-feminina-afirmati-vista-do-pais-20120704.html>

<http://video.br.msn.com/watch/video/mina-ahadi-apedrejar-mulheres-e-uma-barbaridade-isso-precisa-parar/26gdcs0wc?preview=true>

<http://www.marataizes.com.br/noticias/news.php?codnot=287246>

<http://estilo.br.msn.com/tempodemulher/variedades/mina-ahadi-contrao-apedrejamento-e-a-favor-da-liberdade-das-mulheres>

<http://estilo.br.msn.com/mulheres-reais-que-inspiram/fotos.aspx?cp-documentid=251797941>

<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=395140447208651&set=a.349350291787667.80863.150950558294309&type=l&theater>

<http://saopaulo.sp.gov.br/spnoticias/lenoticia.php?id=220387>

<http://www.fotoarena.com.br/busca/index/t/F%3C%3Brum+de+Mulheres+que+inspiram+02-07-2012/?ide=10447>

از صفحه ۸

برابری و رفاه و حرمت و انسانی باید تلاشمان را چند برابر کنیم. سخنرانی من با تشویق گرم حاضرین روبرو شد و تعداد زیادی از حاضرین و زنان با محبت فراوان به سوی من آمده و مرا در آغوش گرفته و ابراز محبت کردند.

بعد از من آخرین سخنران کنفرانس، توماس شانون سفیر آمریکا در برزیل بود. که در ابتدا گفت که بعد از این سخنرانی مهم و موثر، من نمیدانم چه بگویم، ولی سعی میکنم سخنرانی ام را شروع کنم. او در مورد روابط اقتصادی بین برزیل و آمریکا و ضرورت گسترش دادن به آن و داشتن پروژه های متعدد از سوی دولت آمریکا حرف زد.

جنبه های متعدد دیگر این کنفرانس از جمله مصاحبه با یک خواننده معروف برزیلی "هه به" بود که مبتلا به سرطان شده و در خانه اش با او مصاحبه کرده بودند.

برزیل کشوری است که در جریان کمپین نجات سکینه، هم ما با آن جامعه بیشتر آشنا شدیم و هم بخشی از مردم و اساسا رسانه ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر و سیاستمداران آن ما را شناختند و این سومین سفر من به این کشور بود.

روز سه شنبه در حالیکه محافظین ام و بویژه یک زن محافظ با علامت به من میگفت که سخنرانی ام قلب او را تکان داده از من خواست که باهم عکس بگیریم. با این جمع دوباره عکس یادگاری گرفته و این کشور را ترک کردیم.

مینااحدی

کلن - ۵ ژوئیه ۲۰۱۲

در اینجا لینک برخی رسانه های برزیلی که با من مصاحبه کرده اند را مشاهده میکنید:

زنان در کنگو را بشناسد و یا کمک کند باید به واقعیات آنجا توجه کند او از همه دعوت میکند به کشور کنگو و یا روستای محل فعالیت او بروند و از نزدیک مشکلات را ببینند.

بعد از سخنرانی مسئول یک بانک کمک به "زنان تنها" در آمریکای لاتین سخنرانی میکنند. نوبت سخنرانی من در ساعت ۴ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر بود. در ابتدا فیلم کوتاهی از صدای سنگسار شدن یک زن و صدای "الله اکبر" که همراه پرتاب کردن سنگ به یک زن در هم میسپید را پخش کردند و سپس مجری گفت اکنون مینا احدی، صدای زنان در بند، صدای انسانیت سخنرانی میکند.

برای من سخنرانی در این جمع بسیار مهم بود. در ابتدا قرار بود دیلما روسوف رییس جمهور برزیل نیز در این نشست سخنرانی کند، اما سازمان دهندگان گفتند متأسفانه او نمی آید. در مورد دلیل عدم حضور او حرف زیادی زده نشد. من روی سن رفتم. بیست دقیقه در مورد جنبش اسلامی، حکومت اسلامی، کاراکتر این جنبش، جایگاه اعدام و سنگسار در این جنبش، نحوه کار ما، دادن چهره به محکومین به اعدام و سنگسار، از موفقیت ها و یا عدم موفقیت ها و از سکینه محمدی آشتیانی و نقش رسانه های اجتماعی در مبارزات خودمان حرف زدم.

در انتها در مورد افول جنبش اسلام سیاسی، و تاثیرات سرنگونی حکومت اسلامی و آینده ایران حرف زدم و سپس در پایان گفتم انقلاب در ایران زنانه است و افرادی مثل من تلاش میکنند به این انقلاب چهره انسانی و مدرن بدهند. این انقلاب پیش رو میتواند عظیم و زیر و رو کننده باشد و برای دستیابی به

سوریه: شکست توطئه و

از صفحه ۴

"بحران سوریه" می نامند، ادامه داشته است. در طول این هفته دو کنفرانس و نشست توسط این گروهها در ژنو و قاهره برگزار گردید. محور و موضوع اصلی این نشست ها تلاش های غرب، اتحادیه عرب و کشورهای غربی به همراه اپوزیسیون دست ساز هوادار غرب برای دور زدن انقلاب و مبارزه جاری مردم و بخشا سازماندهی توطئه برعلیه انقلاب و مبارزات جاری مردم بوده است.

در کنفرانس ژنو که روز ۳۰ ژوئن با تلاش عنان و با شرکت روسیه، اعضای شورای امنیت و اپوزیسیون دست ساز هوادار غرب نظیر "شورای ملی سوریه، شورای هماهنگی سوریه و شورای کمیته های هماهنگی - که همگی مورد تأیید غرب و سازمان ملل می باشند - و تعدادی از عناصر رژیم اسد و حزب بعث برگزار گردید. محورهای اصلی این کنفرانس تلاش برای شکل دادن به "دولت انتقالی" با شرکت دادن رژیم اسد و گذار از این دوره بوده است. نیروهای اپوزیسیون نامبرده در همراهی با اتحادیه عرب و اعضای شورای امنیت و با موافقت روسیه، طرح دولت انتقالی را تصویب کردند. بنا بر اصرار روسیه موضوع شرکت اسد و رژیم فعلی سوریه در این دولت انتقالی گنجانده شده و در بیانیه پایانی این نشست تأکید شد که رژیم اسد به عنوان بخشی از طرح این دوره باید در دولت انتقالی شرکت داشته و برخی خواستهای اپوزیسیون، نظیر آزادی زندانیان، خروج از شهرها و زمینه سازی برای گفتگوهای آتی با تمام نیروهای در برگیرنده اپوزیسیون را عملی نماید. نشست ژنو علیرغم خرده اختلافاتی که وجود داشت موفق شد اپوزیسیون دست ساز و رژیم اسد را با محوریت طرح شش ماده ای صلح عنان، بخل کرده و بویژه طرح "دولت انتقالی" را با شرکت اسد تصویب نماید. در واکنش به تصمیم

کنفرانس بود نتوانست روند و دستور جلسه از قبل تعیین شده کنفرانس را به پیش برد. "نیروها و شخصیتهای رادیکال" شرکت کننده در کنفرانس موفق شدند فضا و جو کنفرانس را در دست گرفته و بعد از ساعتها بحث و بحثا درگیری فیزیکی، عملا کنفرانس را از رسیدن به نتایجی که از قبل تعیین شده بود، بازدارند. در نهایت زیر فشار اعتراضات مردم در خارج از کنفرانس و سخنرانی های حمایتی از ادامه انقلاب مردم برعلیه رژیم اسد و نیروهای اپوزیسیون هوادار آن، کنفرانس و شرکت کنندگان مجبور شدند در برابر رژیم اسد موضعگیری نمایند. کنفرانس و شرکت کنندگان در آن ضمن اعلام حمایت از انقلاب مردم سوریه تصویب کردند که اپوزیسیون رژیم اسد بر ضرورت کنار رفتن اسد از قدرت تأکید داشته و این را تنها راه حل پایان دادن به "بحران سوریه" نامیده و مردم و نیروهای مخالف سرنگونی خواه را به وحدت و یکپارچگی برای سرنگونی رژیم اسد دعوت کردند. بدین ترتیب کنفرانس قاهره بر خلاف نشست ژنو موفق نشد سیاستهای سازشکارانه و مماشات جویانه اپوزیسیون طرفدار رژیم اسد برای پایان دادن به "بحران سوریه" را تهیه و تصویب نماید. این کنفرانس در واقع شکست دیگری برای نیروهای اصلاح طلب هوادار رژیم اسد و شرکای غربی اش بود. با اعلام خبر عدم موفقیت کنفرانس قاهره در رسیدن به طرح پیشنهادی عنان و اتحادیه عرب و برخی کشورهای عربی، مردم در چندین شهر سوریه دست به تظاهرات زده و شعار دادند: انقلاب مردم تا سرنگونی رژیم اسد ادامه خواهد یافت.

در پس تمام این وقایع و اتفاقات ژنو و قاهره نیروی عظیم و قدرتمند انقلاب جاری مردم سوریه را می شود دید. انقلابی که تا به امروز موفق شده همه سیاستهای کنار آمدن با رژیم اسد، تخطئه انقلاب مردم و تلاش برای به شکست کشاندن این انقلاب را عملا به شکست بکشاند.

فشار این انقلاب و مقاومت و مبارزه با شکوه مردم برای به زیر کشیدن رژیم اسد، یکبار دیگر به غرب، شرکای منطقه ای اش، روسیه و جمهوری اسلامی و اتحادیه عرب، به همه نیروهای ضد انقلابی که سودای ختم انقلاب مردم را در سر داشته و دارند، ثابت کرد که مردم و انقلابشان به چیزی کمتر از سرنگونی رژیم اسد رضایت نداده و نخواهند داد. رژیم اسد باید برود و این تنها راه حل است. تقلاهای دیپلماتیک و زد و بند از بالای سر مردم برای تعیین

بیمه های درمانی در آمریکا،

از صفحه ۴

همچنین تأکید شده که بحران اقتصادی حاضر، به فاصله و اختلاف طبقاتی وسیعتری انجامیده که در ادامه، به ناآرامی ها و شورش های اجتماعی غیرقابل اجتناب منجر خواهد گشت. در هر حال، حتی بهبود نسبی اقتصادی، در صورت ادامه بحران در اروپا و یا وخیم تر شدن آن، تأثیرات عمیق و همه جانبه ای را به اقتصاد آمریکا وارد خواهد کرد و به تبع آن خواهد توانست نتیجه انتخابات ریاست جمهوری را به ضرر اوپاما تغییر دهد.

مردم آمریکا به تجربه دریافته اند که انتخابات، چه پارلمانی و چه رئیس جمهوری، ابزار تغییراتی بنیادی و رادیکال در جامعه نیستند می دانند که رأی دادن به یکی از دو حزب اصلی فقط کمک به جلو بردن و رسیدن به بعضی از مطالبات و اصلاحات موضعی است، که نعمات موجود اجتماعی است و البته سرنوشت همین مقدار فرم لزان هم باید از هفت خوان سنا و کنگره و خانه نمایندگان بگذرد تا رسمیت یافته و اجرائی شود در غیر این صورت دیوان عالی که متشکل از نه قاضی مادام العمر و انتصابی است باید تصمیم گیری کند. سیستم

سرنوشت مردم و انقلابشان دیگر راه به جایی نخواهد برد. در این میان انقلاب مردم برای به پیروزی رسیدن راه دیگری به غیر از تسلیح همگانی و رویارویی نظامی برای سرنگونی رژیم اسد ندارد. انقلاب مردم باید نیروهای مسلح را برای تعیین تکلیف نهایی با رژیم به میدان بیاورد. این پروسه در جریان بوده و هر روز قدرتمندتر می شود. انقلاب مردم سوریه وارد نبرد نهایی و جنگ آخراش با رژیم اسد شده است.*

و دمکراسی آمریکا بر خلاف دمکراسی پارلمانی اروپائی سیستم تقسیم قدرت است اما بسان نوع اروپائیش این تقسیم قدرت نه بوسیله انتخابات که بوسیله مکانیزمهای دیگری خارج از آن شکل می گیرد. صاحبان طبقاتی دولت قبلا بر مبنای تقسیم اقتصادی و قدرت سیاسی طبقه بورژوا نهادهاشان را سازمان داده اند لذا تصویب "قانون اصلاح بیمه های درمانی" را همانند رفم هائی از این دست، باید در این متن دید و توضیح داد.

در سال ۲۰۱۰ میلادی دیوان عالی لایحه ای مبنی بر ایجاد یک کمیسیون انتخابات فدرال به تصویب رساند. نتیجه عملی این لایحه ایجاد کمیته ای بنام کمیته فعالیتهای انتخاباتی بود. مادام که این کمیته ها رسماً از گرایش سیاسی خاصی دفاع نکنند اجازه دارند کمک های اقتصادی کلان و بدون سقف را از افراد و شرکتهای تجارتي دریافت نموده و در اختیار کاندیداهای مورد نظر قرار دهند. نفس تصویب و وجود چنین لایحه ای پرده از ماهیت واقعی انتخابات، پوشالی بودن آن و بی ربطی به انتخاب واقعی مردم این دیار بر می دارد، از این منظر آمریکا بهترین و شاید تنها کشوری است که دمکراسی را به شکل قانونی و با پول می شود خرید.*

ما واقعی هستیم!

از صفحه ۱

بعد از برگزاری دادگاه ایران تریبونال رادیو همبستگی در شهر مالمو - سوئد - مصاحبه ای با مرسته قانندی از شاهدان این دادگاه داشته است. این مصاحبه توسط فریده آرمان انجام شده است که خود از شاهدان سرکوب های دهه ۶۰ است و عزیزانش توسط جمهوری اسلامی اعدام و ترور شده اند. از مرسته قانندی خواهش کردیم تا این متن پیاده شده را ادیت کرده و برای درج در انترناسیونال آماده کند. اما واقعیت این است که احساس و عاطفه ای که در این مصاحبه و در لحن مصاحبه کننده و مصاحبه شونده وجود دارد، قابل انتقال بر روی کاغذ نیست. با تشکر از مرسته قانندی و فریده آرمان

فریده آرمان: در هفته گذشته از دو شنبه تا جمعه در لندن در محل دفتر مرکزی سازمان عفو بین الملل تریبونال علییه کشتارهای جمهوری اسلامی تشکیل شد. لطفاً به عنوان یکی از شرکت کنندگان بگوئید که این دادگاه چگونه بود؟

مرسته قانندی: من یکی از شهادت دهندگانی بودم که در دادگاه حضور داشتیم. پروسه تشکیل این دادگاه مردمی در واقع از سال ۲۰۰۷ به همت خانواده های جانباختگان و خود زندانیان سیاسی آغاز شد و ۶ نفر از حقوقدان های سرشناس بین المللی در آن شرکت داشتند. مسئولیت این دادگاه را موریس کاپیتورن که گزارشگر سابق حقوق بشر سازمان ملل در ایران بود، بعهده داشت.

این دادگاه را باید دادگاه مردمی بنامیم که شبیه دادگاه برتراند راسل بود که در دهه ۶۰ میلادی تشکیل شد. در آن دادگاه

هیچ قربانی وجود نداشت و برای محکوم کردن جنایات آمریکا در ویتنام، تشکیل شده بود. تفاوتی که این دادگاه داشت، حضور شاهدان و خانواده های جانباختگان و قربانیان بود و از جنایاتی که در سالهای ۶۰ و ۶۷ اتفاق افتاد، صحبت کردند. هم هفته بسیار سختی بود و هم تجربه بسیار بزرگی بود. چون بطور واقعی در تمام گوشه های این دادگاه می دیدید که اشک می ریزند و گریه می کنند. حتی برای یکی مثل من که هشت سال در زندان های جمهوری اسلامی بوده ام و سه نفر از اعضای خانواده ام را این رژیم تیرباران کرده است، ولی آنچه در آنجا می شنیدم بسیار تکان دهنده بود. از سحر ۲۲ ساله که در پنجسالگی مادر و پنج تن از اعضای خانواده اش را از دست داده و چه دوران سختی داشته است، تا مادری که ۷ نفر از اعضای خانواده اش را جمهوری اسلامی تیرباران کرده و آنجا تازه فهمید یکی از زندانیان همراه دخترش در زندان بوده و از شکنجه هایی که دخترش شده بود، صحبت کرد.

روزهای بسیار دشواری بود. من روز دوم شهادت دادم و شهادت ۸۵ نفری که علیه جمهوری اسلامی صحبت کردند را در عرض این پنج روز شنیدم. این قطره کوچکی از جنایات هایی بود که این رژیم در عرض ۳۳ سال مرتکب شده است. خیلی از رسانه ها می آمدند و سوال می کردند که می خواهید انتقام بگیری؟ گفتیم نه. تمام مسئله این دادگاه این است که ما می خواهیم پایان کشتار را در آن کشور اعلام کنیم. ولی نمی گذریم و فراموش نمی کنیم. نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم! ما مبارزه می کنیم که عاملین این جنایات روزی دستگیر و در دادگاهی علنی محاکمه شوند. این هم يك دادگاه

مردمی بود. برای اینکه ما هرکدام نماینده صدها نفر از خانواده هایی هستیم که اینها بچه هایشان را می رفتند و در عرض یکی دو روز اعدام کردند. ما در زندان های جمهوری اسلامی وکیل نداشتیم، آنجا از ما می پرسیدند آیا وکیل داشتید؟ می گفتیم نه وکیل، نه دادگاهی و نه کیفرخواستی وجود داشت. بخاطر افکارمان، بخاطر کمونیست بودنمان، بخاطر آزادیخواهی مان یا بدلیل مخالفتمان مجرم شناخته میشدیم، شکنجه و یا تیرباران میشدیم.

و مسئله مهم این بود که در روز آخر حقوقدانی هایی که آنجا ۵ روز با صبوری تمام به صحبت های ما گوش کردند، از ما سوال کردند و بعد به گره گاهایی که در پرونده ها بود، جواب دادیم. در روز آخر همه آنها به ما قول دادند، گفتند ما نمی گذاریم این پرونده بسته شود. جهت اطلاعاتی یکی از وکلا که خودش عضو کمیسیون حقیقت یاب آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی بود گفت که بطور واقعی من عمق فاجعه را تا این حد نمی دانستم. وقتی برگردم به کشورم حتماً دولت ها را تحت فشار خواهم گذاشت. آنجا به ما قول دادند که ما نمی گذاریم، ما تمام نمی کنیم. در ماه اکتبر امسال بخش دوم دادگاه در لاهه هلند برگزار خواهد شد و آنجا برای تکمیل این پرونده ها دوباره البته تعداد محدودتری مورد سوال و جواب قرار خواهند گرفت. آنجا دوباره تصمیم نهائی میگیرند که باید چکار کرد. ولی در آخر این برنامه که عصر جمعه بود همه وکلا صحبت کردند و گفتند این جنایاتی که اتفاق افتاده است در واقع جنایات علیه بشریت است و ما اینرا تعقیب می کنیم. حقوقدانهای می گفتند به نظر ما اولین بار است که این اتفاق دارد می افتد که ما توانستیم با ۸۵ نفر از خانواده های قربانیان و خود کسانی که در

زندان های جمهوری اسلامی بوده اند، رو در رو و مستقیم صحبت کنیم و این می تواند به مردم دنیا کمک کند که بدانند جمهوری اسلامی با مردم چه کرده است. خودشان خیلی از این دادگاه راضی بودند و میگفتند که تجربه بسیار خوبی برای این حقوقدانان بود.

فریده آرمان: من می دانم همیشه هر بار آدم از این عزیزان حرف می زند و هر بار که یادش می افتد، خیلی درد آور است. من در احساس شما شریک هستم. منمهم عزیزی را از دست داده ام در زندان و در همان سالها و خیلی از دوستان من زندانی بوده اند. برای اینکه کسی بتواند بعنوان شاهد در دادگاه شرکت کند، باید اسم نویسی میکرد؟ باید چه کار میکرد؟

مرسته قانندی: ایران تریبونال فرمهایی دارد که باید پر کرد و تحویل برگزار کنندگان آن داد. فرم هایی که تحویل داده شده بود همه ترجمه شده بود و تعداد زیادی پرونده بدینطریق جمع آوری شد برای شهادت دادن. در مرحله دوم از همین تعدادی که شهادت داده اند، تعداد کمتری شهادت خواهند داد.

یکی از شهادت دهندگان آنجا اسم همسر شما یعنی مهدی میرشاهزاده را یادآوری کرد و یکی از دوستان صمیمی او بود. خیلی از کسانی که مثل شما در این دادگاه حضور نداشتید و می دانم که واقعا منمهم با شما همدردم و می دانم که غلام کشاورز هم ترور شد و جا داشت که شما هم آنجا می بودید ولی خیلی از کسانی که خودشان مثل شما آنجا نبودند ولی یاد عزیزانشان، کسانی که بدست رژیم جمهوری اسلامی تیرباران یا ترور شدند، در آنجا از طریق شهادت دهندگان یادشان گرامی داشته شد.

فریده آرمان: دادگاه بعدی در لاهه برگزار می شود و در اکتبر خواهد بود. من خودم حتماً در

دادگاه بعدی در اکتبر شرکت خواهم کرد. اگر کسانی بخواهند اسم نویسی یا شرکت کنند، آیا راهش این است که شکایتنامه شان یا درخواستشان را بفرستد؟

مرسته قانندی: بله باید به کارزار مردمی - ایران تریبونال - بفرستند. سایتش هست و شما می توانید از آن طریق فرم را پر کنید. بنظر من همه کسانی که الان صدای مرا می شنوند، هر کس جمهوری اسلامی عزیزش را، یکی از اعضای خانواده اش را تیرباران کرده است و حتی کسانی که خودشان هم زندانی نبوده اند ولی عزیزانشان را از دست داده اند و از نظر روحی صدمه خورده اند می توانند این فرم را پر کنند. نکته ای که به نظر من در این دادگاه مهم بود حضور خانواده هایی بود که عزیزانشان را از دست داده اند و صحنه هایی را می گفتند که چگونه مادران را در سالن ملاقات کتک میزدند، آسیب هایی که این خانواده ها در آن دوران دیدند، خانواده هایی که جمهوری اسلامی آنها را نابود کرد و بعد از ۳۳ سال در آنجا حرف زدند.

پرونده ها مربوط به سال های ۶۰ و ۶۷ بود. یکی از وکلا به درست گفت پس از سی سال ما اینجا نشسته ایم، وقتی آنچه اینها بیان می کنند می بینیم که اثرش همچنان روی تک تک آنها از بین نرفته است. و در روز آخر وکلا گفتند ما اینجا يك چیزی را دیدیم که بحث انتقام جوئی نیست و خیلی خوشحالیم. مشخصاً صحبت خود من هم این بود که در زندان زمانی که منیر هاشمی همسر جواد قانندی برادرم را بردند، از آن تاریخ بود که با نفس اعدام حتی برای سران جمهوری اسلامی که این جنایات را مرتکب شدند، مخالف شدم و سالها است که خودم را یکی از فعالین علیه اعدام میدانم. در دادگاه گفتیم

ما واقعی هستیم!

از صفحه ۱۲

انسانی که بغل دست من بود، داشت با من غذا می خورد، اوج زندگی بود، اوج عشق بود، داشت از زندگی می گفت، در همان لحظه از بغل من پرند و ۱۰ شب جلوی دیوار گذاشتند و تیرباران کردند. من خواهان لغو مجازات اعدام هستم و اینجا حضور ندارم که بگویم می خواهم رفسنجانی، موسوی، خامنه ای، لاجوردی - که رفت - مبشری که من و سه تن از اعضای خانواده ام را دادگاهی کرده است اعدام شوند. در این دادگاه گفته شد که موسوی در دو دوره سال های ۶۰ و ۶۷ نخست وزیر بوده و او هم باید پاسخگوی این جنایات باشد. ولی شخصا خواهان اعدام کسی نیستم. فقط باید بیایند در دادگاه های مردمی، که مردم ایران در آن حضور پیدا دارند- این دادگاه هم نمونه کوچکی از آن بود- باید بیایند و بگویند که چه کرده اند. خود من که در این دادگاه حضور داشتم، متوجه شدم که علیرغم اینکه خودم سالها در زندان بوده ام، هنوز بخش کوچکی از این جنایات را میدانم. در این ۵ روز بیشتر متوجه شدم که جنایات رژیم از آنچه تا کنون فکر میکردم ابعادش بیشتر بوده است. مادری که بچه اش را گرفتند و در عرض ۲۴ ساعت سخته کرد و مرد، پدری که وقتی بچه اش را از خانه بردند، بلافاصله تمام سرش سفید شد. و خواهران و برادرانی که از تمام آسیب هایی که به خانواده شان وارد شد حرف زدند.

فریده آرمان: نکته ای که این دادگاه داره این است که شاید با مرگ هر مادری پرونده ای بسته شود و کسی نتواند آن تجربه تلخی

را که او داشته، بگوید. الان ۳۳ سال از عمر ننگین جمهوری اسلامی گذشته است و خیلی از این شواهد ممکن است از بین برود و جمع آوری این شواهد به نظر من فوق العاده مهم و تاریخی است و امیدوارم بزودی شاهد سرگونی جمهوری اسلامی باشیم و آنوقت دادگاههایی را ترتیب خواهیم داد به وسعت میدان آزادی و به وسعت اینکه میلیونها آدم بتوانند بیایند. برای اینکه شاکیان این رژیم به نظر من میلیونی هستند، میلیونها نفری هستند که در ایران عزیزانشان را از دست داده اند و خودشان زندان و شکنجه شده اند.

مرسده قائدی: نکته ای که شما گفتید درست است. بحث این است که این اسناد مدون می شود این جنایاتی که جمهوری اسلامی کرده است مدون میشود. چون خیلی از ماها دیدیم و الان می بینیم خیلی از بازماندگان الان نیستند. مثلاً یکی از زندانیان سیاسی بعنوان مثال اسم داریوش کایدپور را برد و گفت مادرش که ۳ سال پیش مرد همیشه از من می خواست که اگر جانی بود صدای دادخواهی مرا بگوش همه برسان. و یکی از کارهایی که کارزار مردمی تریبونال می کند همین است جمع آوری و مدون کردن تمام این اسناد.

بعد از سرگونی جمهوری اسلامی اسناد مدون شده آماده شده و کشیدن جنایتکاران به پای میز محاکمه بسیار سریع انجام خواهد شد. مدون کردن این جنایات کمکی به این پروسه هم است.

فریده آرمان: باید کاری کرد تا وقتی که این جنایتکارها در دولت هستند پای هر کدامشان که

به خارج کشور برسد دستگیر و محاکمه شوند. و این یکی از خواست های ما است. دستگیری، محاکمه اینها و راه ندادنشان به هیچ کدام از مجامع بین المللی تا زمانی که سرنگونشان کنیم.

مرسده قائدی: اتفاقاً خیلی از بازماندگان از جمله خود من در فاصله استراحت ها با یکی از وکلا صحبت کردیم که اینها الان در قدرت هستند ولی ممکن است این دوره خیلی کوتاه باشد. ولی در همین دوره کوتاه لااقل طوری باشد که اینها نتوانند بیایند در کشورهای اروپایی جولان بدهند. آنها می گفتند که باید کار کرد، پروسه ای سخت ولی تجربه خوبی است. تجربه بزرگی بود که ما توانستیم با قربانیان از نزدیک حرف بزیم و توانستیم از نزدیک بشنوم. وقتی یک خبرنگاری با من مصاحبه کرد به او گفتم: همیشه می گویند که ما زندانی سیاسی نداشتیم، ما زندانی سیاسی اعدام نکرده ایم. این نمونه کوچکی است. بیایید از این ۸۵ نفر بپرسید. همه ما حقیقی و واقعی هستیم. عزیزانمان را از جلوی چشم ما بردند. جمهوری اسلامی دیگر چه میتواند بگوید. آیا ما غیر واقعی هستیم؟ آن مادری که هفت بچه اش را اعدام کرده اند، آمد علناً با چهره روشن حرف زد، اسم و فامیلش را گفت و اسمش را گفت، شهر و محله اش را گفت. گفت ۳۰ سال است که آواره ام و هنوز نتوانسته ام با خانواده ام تماس بگیرم. اینها همه واقعی است. بیایید این واقعیت را انعکاس دهید. ما همه واقعی هستیم. از بدو بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی همیشه زندانی سیاسی بوده است.

روز محاکمه و دادگاه من درست ۳۰ خرداد بوده است، روزی که خمینی دستور کشتار مخالفین

حکومت را داد و در دادگاه به وکلا گفتم شما شاید این روز را به خاطر نمی آورید، ولی تمام کسانی که اینجا نشسته اند این تاریخ را می دانند که دستور سرکوب انقلاب را خمینی داد با تمام رهبرانی که آن دوره و الان هم در قدرت هستند. و کشتار کردند. آن روز ما در خیابان بودیم و گله های حزب اله دنبال ما می گشتند از این خیابان به آن خیابان. و خوشحالم که بعد از ۳۰ سال اینجا نشسته ام و دارم برای آن روز شهادت می دهم.

در مورد کشتارهای کردستان، خیلی اتفاقاتی که در کردستان افتاد، در نوروز خونین، اتفاقاتی که مرتباً در آن دوران می افتاد، شاهدانی که از کردستان بودند آمدند و گفتند چه به روزشان آورده اند. واقعا دردناک بود که مثلاً یک دهی را به کلی از بین بردند و ساکنین اش از کودک و پیر و جوان را قتل عام کردند.

من خودم در تهران از جمله در زندان های اوین و قزلحصار و کمیته مشترک بودم. از زندان شیراز آمده بودند، از زندان رشت آمده بودند، از زندان تبریز آمده بودند. از تمام زندانها. و این یک مجموعه کامل را پوشانده بود.

من در زندان تهران بودم و از سایر نقاط شاید خبر نداشتم ولی آنجا این ویژگی را داشت که از تمام نقاط ایران و تمام زندانهای ایران گزارش و شاهد وجود داشت.

ما شاهدان ۸۵ نفر بودیم از نقاط مختلف ایران. تقریباً از تمام زندان ها کسانی بودند مثلاً از زندان عادل آباد شیراز و از کشتاری که در زندان های شیراز شده بود و از قبرهایی که در زندان قزل حصار تشکیل شده بود، گفته شد. از سرکوب های سال ۶۷، کسانی که از آن دادگاههای مرگ نجات پیدا کرده بودند، آن شرایط را تشریح کردند که چه اتفاقی افتاد. از کسانی که در زندان به آنها تجاوز شده بود، گفته شد. همه اینها پوشش داده شد. شاهدانی که آمده بودند بخش های کوچکی از این جنایات ۳۰ ساله را بازگو کردند.

فریده آرمان: دستتان درد نکند و موفق باشید. مبارزه ما ادامه پیدا می کنه تا روزی که جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و تمامی این جنایتکاران را در خود تهران در دادگاه های مردمی محاکمه کنیم. به امید آرزو و باید تلاشمان را صد چندان کنیم.*

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

International Committee Against Stoning

(<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution

(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com

0049-177-569-2413

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

هجوم فاشیستی جمهوری اسلامی به شهروندان افغان تبار جنایت علیه کل جامعه و برای ارباب مردم است

با تعمیق بحران همه جانبه جمهوری اسلامی، فشارهای فاشیستی حکومت اسلامی به مهاجرین افغانی در ایران نیز تشدید شده است. بهانه های جمهوری اسلامی برای اعمال این اقدامات علیه افغانی ها، به اندازه خود این اقدامات شرم آور و فاشیستی است.

خبرها حاکی است که هفته گذشته اوباش جمهوری اسلامی که توسط نیروهای مسلح حکومت همراهی میشدند، به خانه دهها افغانی در محله کشتارگاه شهر یزد حمله کرده و خانه های آنها را آتش زده اند و در مواردی که با مقاومت و اعتراض افغانی ها مواجه شده اند تعدادی از معترضین را دستگیر کرده اند. مجازات دسته جمعی افغانی ها در یزد به بهانه تجاوز دو افغانی به یک دختر، که حتی صحت و سقم این مساله از جانب خود جمهوری اسلامی نیز روشن نشده است، یک سیاست آشکار فاشیستی است.

ممنوعیت فروش نان و مواد غذایی و امکانات بهداشتی به افغانی های "غیر مجاز" در ایران به بهانه طی نکردن مراحل قرنطینه نیز یک محور دیگر این سیاست فاشیستی است که سیاست قدیمی تر ممنوعیت مدرسه برای کودکان افغانی و غیر قانونی بودن ازدواج با شهروندان افغانی و دهها اقدام ضدانسانی دیگر علیه مهاجرین افغانی را تکمیل کرده است. غلام رضا غلامی مدیر اداره کل امور اتباع و مهاجران در استان فارس حتی به سوپرمارکت ها، نانوائی ها، رانندگان تاکسی و عموم مردم

اجازه! داده است که خودشان مشخصات هویتی افغانی ها را مطالبه کنند. ظاهرا این تنها حقی! است که جمهوری اسلامی به مردم داده است.

لازم به یادآوری است که در بهار سال ۸۸ نیز فرمانداری شیراز با حمله به منطقه وزیرآباد این شهر که محل سکونت کارگران افغانستانی است، منازل آنها را تخریب کرد تا از وجود "اتباع غیر مجاز و بیگانه!" پاکسازی شود. مقامات جمهوری اسلامی در شیراز بهانه این جنایت را "نزدیکی این منطقه به فرودگاه و میدان تره بار" قید کرده بودند، باید از وجود "اتباع غیر مجاز و بیگانه" پاکسازی شود. ممنوعیت ورود به پارکها و تعیین مناطق ممنوعه در اصفهان و برخی شهرهای دیگر و اعدام بسیاری از افغانی ها در مشهد را نیز باید به لیست جنایات جمهوری اسلامی علیه شهروندان افغان تبار اضافه کرد.

گزارش تائید نشده دیگری حاکی است که روز ۶ تیرماه نیز تعدادی از مهاجرین افغانی که قصد ورود به ترکیه را داشته اند، در مرز ایران و ترکیه هدف تیراندازی نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی قرار گرفته و ۱۸ نفر از آنها جان باخته و تعدادی زخمی شده اند.

حزب کمونیست کارگری حکومت فاشیست و جنایتکار اسلامی را شدیداً محکوم میکند. از مردم آزادیخواه در یزد و شیراز و در سراسر کشور میخواهد که در مقابل این سیاست های ضد انسانی و جنایتکارانه بایستند و

دوش به دوش مهاجرین افغانی این سیاست را به شکست بکشاند. جوانان اصفهان، تشکل های کارگری و برخی از هنرمندان در حمایت از کارگران و مهاجرین افغانی اقدامات ارزنده ای کرده اند، باید این حمایت ها را به سراسر جامعه گسترش داد و حرکتی عمومی به راه انداخت و تو دهنی محکمی به جنایتکاران اسلامی کوبید. حزب همه مردم شریف را به همبستگی با مهاجرین افغانی فرامیخواند و بر مطالبات زیر تاکید میکند:

۱- مهاجرین افغانی بخشی از جامعه ایران هستند و باید از حق اقامت، کار، آموزش، زندگی مشترک و ازدواج و همه حقوق شهروندی برخوردار شوند.

۲- به اخراج مهاجرین افغانی باید پایان داده شود.

۳- خسارت های وارد آمده بر مهاجرین افغانی در یزد و شیراز و در سراسر کشور باید به آنها پرداخت شود.

۴- تبلیغات ضد افغانی و فضا سازی حکومت و رسانه های جمعی علیه مهاجرین افغانی یک سیاست فاشیستی است و باید ممنوع شود.

حزب کمونیست کارگری از همه مردم منتسب به ایرانی و افغانی در همه جای جهان میخواهد که هرچه بیشتر همبستگی خود را تحکیم کرده و همراه با مردم شریف در همه کشورها و با سازمان دادن آکسیون و اشکال مختلف فعالیت، به مجامع جهانی فشار بیاورند که جمهوری اسلامی را محکوم کنند و روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با آن قطع کنند. جمهوری

اسلامی حکومتی در رده حکومت های نژادپرست آفریقای جنوبی، حکومت هیتلر و موسولینی و طالبان در افغانستان است و با سرنگونی آن، دنیا از یکی از جنایتکارترین و رذل ترین حکومت های تاریخ معاصر رها خواهد شد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیر ۱۳۹۱، ۲ ژوئیه
۲۰۱۲

توجه توجه

تلویزیون کانال جدید بروی شبکه KURD CHANNEL پخش میشود

کانال جدید هر شب از ساعت ۹:۳۰ شب به وقت ایران به مدت ۲ ساعت پخش میشود

مشخصات ماهواره:

هات برد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۴۷۰ عمودی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

لطفا کیفیت دریافت برنامه را با ایمیل آدرس زیر به اطلاع ما برسانید

nctv.tamas@gmail.com

اساس سوسیالیسم انسان است!

هجوم وحشیانه جمهوری اسلامی به شهروندان افغان تبار محکوم است!

مجرم شناسایی و بازداشت شوند. تبلیغات و فضا سازی سیستماتیک رسانه های دولتی علیه مهاجرین افغان یک رکن سیاست خارجی ستیزی جمهوری اسلامی است، باید سریعاً تعطیل گردد. ما از همه انسانهای شریف و آزادیخواهان افغان و ایرانی می‌خواهیم که نسبت به این سرکوبهای ضد بشری بی تفاوت نشینند و گرنه جمهوری اسلامی با به راه انداختن یک قوم کشی علنی فجایع بزرگتر و مهیب تری را روی دست جامعه خواهد گذاشت. هر کجا که هستید با سازمان دادن اعتراضات جمعی مانع گسترش این اقدامات ضد بشری گردید

انجمن افغانها در سوئد
 نهاد کودکان مقدمند
 فدراسیون سراسری پناهندگان
 ایرانی
 سوم جولای ۲۰۱۲

نسبت دهد! دهها تشکل دفاع از حقوق کودکان با حمایت از کودکان افغان، و نیز برخی از هنرمندان در حمایت از کارگران و مهاجرین افغان اقدامات ارزنده ای کرده اند، این حمایتها تو دهنی محکمی به اقدامات ضد بشری حکومت اسلامی است و لازم است که هر چه بیشتر گسترش یابد. مردم ایران عمیقاً خود را با مهاجرین و پناهجویان افغان هم سرنوشت می بینند و با اقدامات حکومت اسلامی بشدت مخالفند. مردم شریف و آزادیخواه می خواهند که به اخراج مهاجرین پایان داده شود. آنان بخشی از جامعه ایران هستند و باید از حق اقامت، کار، آموزش، زندگی مشترک و ازدواج و همه حقوق شهروندی برخوردار شوند. جمهوری اسلامی بعنوان بانی و مسبب و سازمانده این جنایات باید تمامی خسارات وارد آمده بر مهاجرین افغان در یزد و شیراز و در سراسر نقاط کشور را به آنها بپردازد و عاملان این حمله وحشیانه، بعنوان

حضور افغانها در برخی از نقاط نظیر پارکها و معابر عمومی، ممنوعیت از ادامه تحصیل در رشته های معینی مانند مهندسی، فن آوری هسته ای، پزشکی و غیره، ممنوعیت تحصیل برای کودکانی که پدر آنها تبعه افغانستان است تحت عنوان کودکان بی هویت و بی شناسنامه، غیر قانونی بودن ازدواج با شهروندان افغانستان و دهها اقدام ضدانسانی دیگر علیه مهاجرین افغان تماما بصورت قانونی و با دستورالعملهای دولتی انجام میگردد. اداره کل امور اتباع و مهاجران در استان فارس حتی صاحبان نانوائی ها، سوپرمارکت ها، رانندگان تاکسی و عموم مردم را مجاز دانسته و ترغیب کرده است که مشخصات هویتی افغانها را کنترل کنند. این جنایات وحشیانه سازمان یافته دولتی بخشی از سیاست و عملکرد حاکمیت جمهوری اسلامی است تا گناه نابسامانیهای جامعه را که خود منشا و مسبب و عامل بقای آن است به دیگران و مهاجرین افغان

علیه این مردم به اشکال مختلف در جریان است. اسکان افغانها عملاً در ۲۸ استان کشور ممنوع گردیده است. تخریب منازل کارگران افغان در منطقه وزیرآباد شهر شیراز تحت عنوان پاکسازی "اتباع غیر مجاز و بیگانه" صورت گرفته است. دستگیری و اخراج پناهجویان افغان به بهانه "غیرمجاز" بودن بشدت در حال انجام است، طی مدت کوتاهی بیش از دویست هزار نفر از افغانهای مقیم ایران دستگیر و اخراج گردیده اند. اخیراً استاندارها و فرماندارها نیز رسماً وارد معرکه شده اند و با صدور دستورالعملهای علنی به اذیت و آزار و حتک حرمت پناهجویان افغان صورت قانونی و رسمی داده اند.

ممنوعیت فروش نان و مواد غذایی و امکانات بهداشتی، دستور العمل به کارفرمایان برای پرهیز از استخدام کارگران افغان، دستگیریهایی وسیع و سراسری، ممنوعیت حمل و نقل و جابجایی افغانها، ممنوعیت اوباش جمهوری اسلامی به خانه دهها افغانی در یزد حمله کرده و خانه های آنها را آتش زده اند. فروش نان و مواد غذایی و ارائه امکانات بهداشتی به افغان های "غیر مجاز" در ایران را به بهانه طی نکردن مراحل قرنطینه ممنوع کرده اند. بیش از ۳۰۰ تبعه افغان را در شهرستان جیرفت بازداشت کرده اند. مدرسه و دانشگاه نیز برای کودکان افغانی ممنوع است. حضور در برخی شهرها و در برخی

خبرهای منتشر شده حاکی است که ارازل و اوباش دست پرورده جمهوری اسلامی که از پشتیبانی آشکار نیروهای مسلح و امنیتی حکومت اسلامی برخوردارند از هفته پیش، در شهر یزد به خانه های دهها افغان در محله کشتارگاه حمله کرده اند. با به آتش کشیدن منازل آنها دست به آزار و اذیت آنان در این محله زده اند. بسیاری از این خانواده ها ناچاراً با پناه گرفتن در خانه های دوستان و آشنایان نشان در شرایط فاجعه باری قرار دارند. تعدادی آواره بیابان و صحرا گشته اند. این حملات به بهانه شایعه تجاوز دو افغان به یک دختر نوجوان، صورت گرفته که حتی از جانب خود جمهوری اسلامی نیز مورد تایید قرار نگرفته است.

اما سیاست غیر انسانی جمهوری اسلامی علیه مردم بی دفاع افغان سابقه طولانی تری دارد و در کلیه شهرهای کشور ایران در حال انجام است. اقدامات ضد بشری سازمان یافته ای بطور سیستماتیک

در دفاع از افغان های مقیم ایران

فراخوان به تجمع اعتراضی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در فرانکفورت

شنبه ۷ ژوئیه ساعت ۱۲ تا ۲ بعدازظهر

اسلامی در فرانکفورت همراه با دوستان افغانی اعلام کنیم که جمهوری اسلامی باید گورش را کم کند.

شنبه ۷ ژوئیه، ساعت ۱۲ تا ۲ بعدازظهر در محل Raimund Str. 100

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - فرانکفورت ۲ ژوئیه ۲۰۱۲

پارک ها نیز ممنوع اعلام شده است. باید با تمام قوا به این سیاست فاشیستی اعتراض کنیم. وظیفه هر انسان شریفی است که نسبت به این جنایات ساکت نماند و در مقابل این اقدامات ضد انسانی، که یادآور سیاست های دولت هیتلر است دست به اعتراض بزند. روز شنبه با ما همراه شوید تا در مقابل کنسولگری جمهوری

اوباش جمهوری اسلامی به خانه دهها افغانی در یزد حمله کرده و خانه های آنها را آتش زده اند. فروش نان و مواد غذایی و ارائه امکانات بهداشتی به افغان های "غیر مجاز" در ایران را به بهانه طی نکردن مراحل قرنطینه ممنوع کرده اند. بیش از ۳۰۰ تبعه افغان را در شهرستان جیرفت بازداشت کرده اند. مدرسه و دانشگاه نیز برای کودکان افغانی ممنوع است. حضور در برخی شهرها و در برخی



آخرین اخبار از فعالین کارگری دستگیر شده در شهر کرج

اطلاعیه شماره ۶۳

فرا مرز فطرت نژاد آزاد شد، ۴ نفر دیگر هنوز در بازداشتند

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری روز سه شنبه ۱۳ تیرماه فرا مرز فطرت نژاد یکی دیگر از فعالین دستگیر شده در شهر کرج با قرار کفالت ۳۰ میلیون تومانی از زندان لاکان رشت آزاد شد. این کارگران در ۲۶

خرداد ماه در جریان مجمع عمومی کمیته هماهنگی در شهر کرج دستگیر شدند. ۴ نفر دیگر از این کارگران به اسامی مازیار مهرپور، علیرضا عسکری، ریحانه انصاری و جلیل محمد هنوز در زندانند. مازیار مهرپور در زندان لاکار رشت و سه نفر بعدی در زندان کرج بسر میبرند. کمپین برای آزادی دستگیر شدگان کرج و همه کارگران زندانی ادامه دارد. از جمله تا کنون از سوی تشکلهای مختلف کارگری

در ایران این دستگیری ها محکوم شده است. همچنین روز یکشنبه ۱۱ تیر در حمایت از این کارگران و برای آزادی همه کارگران زندانی تجمعی اعتراضی در پارک کودک شهر سنندج بر پا شد. بر اساس گزارش رسیده، روز پنجشنبه ۸ تیر ماه نیز تجمعی با حضور اعضای خانواده های بازداشت شدگان کرج و دیگر فعالین کارگری در مقابل دادرسی رشت بر پا گردید که در نتیجه آن مسئولین دادرسی جمهوری

اسلامی به تجمع کنندگان اعلام کردند که تا شنبه ۱۰ تیر به وضعیت کارگران زندانی رسیدگی خواهد شد.

در سطح جهانی اتحادیه بین المللی کارگران مواد غذایی (آی یو اف) کمپینی در حمایت از کارگران زندانی در ایران اعلام کرده است. همچنین اتحادیه های کارگری مختلف همچون س ژت، شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه طی نامه هایی اعتراضی انزجار خود را نسبت به دستگیری فعالین کارگری اعلام کرده و خواهان آزادی فوری همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان شده اند. به هر شکلی که میتوانید از

کمپین برای آزادی کارگران زندانی حمایت کنید. همراه با خانواده های کارگران زندانی و زندانیان سیاسی برای آزادی آنان از زندان تلاش کنید. با نوشتن نامه های حمایتی و طومارهای اعتراضی و با برپایی تجمعات خود، خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی از زندان بشوید. تمامی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۴ تیر ۹۱، ۴ ژوئیه ۲۰۱۲

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

کارگران حمل آهن آلات در سنندج کارفرما و اداره کار را تسلیم خواست خود کردند

بیاورد و مجبور به عقب نشینی میشود. حزب کارگران کلیه مراکز کارگری را به تشدید مبارزه برای افزایش دستمزد و سایر مطالبات بحق خود فرامیخواند. حضور اعضای خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی، اطلاع رسانی دائمی به جامعه و برگزاری مجمع عمومی و تصمیمات متحد و یکپارچه و پافشاری بر تداوم مبارزه، فاکتورهای مهم موفقیت کارگران در اعتراضات آنها است.

رفته است. با پافشاری کارگران و اتحاد و یکپارچگی آنها، اداره کار و کارفرمایان ناچار به عقب نشینی می شوند و همانجا اداره کار قول می دهد که دستمزد کارگران از بار زدن هر کیلو آهن از ۷ تومان به ۱۰ تومان افزایش خواهد یافت. با این موفقیت کارگران به تجمع خود پایان میدهند. زنده باد کارگران حمل آهن سنندج و عزم و اتحاد آنها. ما بارها اعلام کرده ایم که دولت بشدت نگران شعله ور شدن خشم میلیونی مردم است و میداند که هر مبارزه جمعی و متحدانه ای بویژه در شهری مانند سنندج اگر ادامه پیدا کند میتواند بقیه کارگران و مردم را به میدان

طبق گزارشی که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است، روز سه شنبه ۱۳ تیرماه نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگران حمل آهن آلات سنندج در اعتراض به ناچیز بودن حقوق خود دست از کار میکشند و در مقابل اداره کار سنندج تجمع می کنند. تجمع کارگران با بی اعتنائی اداره کار مواجه می شود. اداره کار از خود سلب مسئولیت میکند و اعلام میکند که کاری از دستش ساخته نیست.

کارگران متحدانه اعلام می کنند که تا زمانی که به خواست آنها رسیدگی نشود به اعتراض و تجمع ادامه خواهند داد. لازم به ذکر است که این کارگران در ازای بار زدن هر کیلو آهن ۷ تومان دریافت میکنند و این در حالی است که قیمت آهن بیش از دو برابر شده و هزینه های زندگی سرسام آور بالا

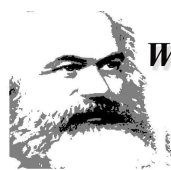
مردم سنندج در تجمعی خواهان آزادی کارگران زندانی شدند

مردم مبارز سنندج، تشکلهای و فعالین کارگری برای آزادی کارگران زندانی را ارج می نهد و از خواست و مطالبات آنان مبنی بر آزادی کارگران بازداشت شده قویا حمایت می کند. هنوز پنج نفر از کارگران دستگیر شده در کرج و بسیاری دیگر از فعالین کارگری در زندانند. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۲ تیر ۹۱
۲ ژوئیه ۲۰۱۲

بنا به اخبار دریافتی روز یکشنبه ۱۱ تیرماه ساعت ۸ عصر جمعی فعالین تشکلهای مختلف کارگری در پارک کودک این شهر جمع شده و خواهان آزادی کارگران بازداشتی عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری شدند. در این تجمع چند نفر از حاضرین سخنرانی کردند و یکی از فعالین کارگری بیانیه تشکلهای کارگری مبنی بر آزادی بدون قید و شرط کارگران بازداشتی که اخیراً در کرج دستگیر شده اند را قرائت کرد و حاضرین با کف زدن از این بیانیه حمایت کردند. این تجمع با سر دادن شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" به پایان رسید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران تلاش



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

نه تحریم اقتصادی، نه جمهوری اسلامی، مردم علیه گرانی و فقر و فلاکت به میدان بیایید!

متحد شد و مقابل تعرض دولت و ماموران حکومت ایستاد. باید هر اجتماع مردم در برابر نانوائی ها و مراکز خرید و ادارات دولتی را به اعتراضی علیه گرانی تبدیل کرد. باید همه این اعتراضات را مبنای تعرض گسترده به کل رژیم اسلامی کرد و بعنوان اولین قدم در راه رفاه و آزادی این رژیم جنایتکار را به زیر کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ ژوئیه ۲۰۱۲، ۱۳ تیرماه
۱۳۹۱

و معلمان و پرستاران و دانشجویان و همه جوانان و بازنشستگان را فرا میخواند تا با شعار آشنای تظاهرات های معلمان و کارگران، یعنی "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، بر علیه گرانی و بیکاری و فقر، بر علیه جمهوری اسلامی و سیاست های ارتجاعی اش و همینطور بر علیه تحریم های اقتصادی غرب به میدان آیند. باید در همه جا خواهان افزایش فوری دستمزدها و حقوق ها شد. باید در تدارک اعتصابات عمومی علیه فقر و فلاکت شد. باید قبض های آب و برق و غیره را نپرداخت و در محلات

که در پس سیاست ضد بشری دول غربی مبنی بر تحریم های اقتصادی گسترده رویای "چلبی" و "کزای" شدن در سر می پروراند، همه و همه اجزاء مختلف همین معادله شوم فقر و جنایت حاکم بر اوضاع ایران هستند. باید همه اینها را نیز افشاء کرد و از سر راه کنار زد. در اینجا نیز تنها راه، به میدان آمدن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلابی خویش و برپایی حاکمیت مستقیم خود برای بنای جامعه ای آزاد و برابر است. حزب کمونیست کارگری همه زنان و مردان آرزیدخواه، همه کارگران

سیاست های خود و دیگری در تقلا برای بقا خود، فقر و تباهی و جنایت بر زندگی مردم می پاشند. باید به این وضع پایان داد. باید زندگی را از دست کل این اوباش سرمایه داری حاکم بیرون آورد. تنها راه به میدان آمدن کارگران و مردم بر علیه جمهوری اسلامی، علیه فلاکت و گرانی و بیکاری، علیه تحریم ها و برای بدست گرفتن زندگی به دست خویش است. کسانی که اشک تماش میریزند و به بهانه فقر و فلاکت ناشی از تحریم ها آشکار و تلویحی از جمهوری اسلامی حمایت میکنند و یا کسانی

با شروع تحریم های گسترده نفتی و مالی اروپا و آمریکا علیه جمهوری اسلامی در اول ژوئیه (۱۱ تیرماه)، گرانی و فقر و فلاکت موجود در ایران ابعاد بازم نابود کننده تری می یابد. جمهوری اسلامی مسبب بلافصل اوضاع وخیم اقتصادی موجود است و قربانی اصلی تحریم های اقتصادی غرب نیز توده های وسیع کارگر و مردم محروم اند. مردم ایران در منگنه "تعامل" و "دیالوگ" نیروهای ارتجاعی و بورژوازی جهانی از یکسو و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از سوی دیگر گیر افتاده اند. هریک از این دو طرف، یکی برای اعمال

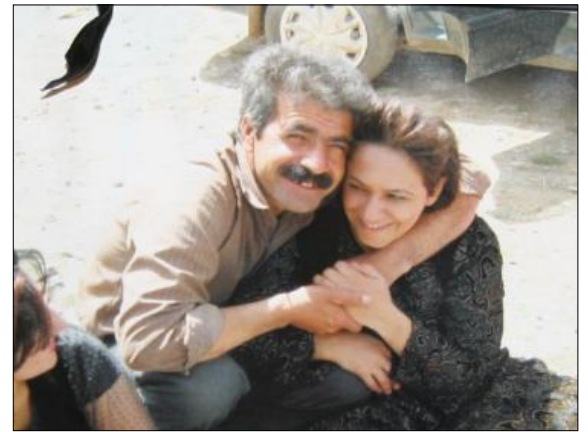
امید توده های وسیع مردم به تغییر این دنیای وارونه است و این تسلی خاطر بستگان او خواهد بود. شیرخان از میان ما رفت اما گونی مرگ او آخرین اقدام مبارزاتی اش درگرامیداشت و پاسداری از آرمانهای انسانی ای بود که يك عمر در راه آن مبارزه کرده بود. بار دیگر درگذشت شیرخان عزیز را از صمیم قلب به همه شما عزیزان تسلیت میگویم.

یادش گرامی باد!
۲۷ ژوئن ۲۰۱۲

نشان دادند که چگونه قدر رهبران خود را میدانند و سنت های پیشرو را پاس میدارند. این جنبش قوی است و هزاران رهبر در دامن خود دارد که مبارزات امروز کارگران را هدایت میکنند و در توازن قوای بهتری توده های عظیمی را برای رهایی از فقر و استثمار و جهنم موجود، متشکل خواهند کرد. مرگ چنین انسان مبارز و آگاهی، هزاران نفر از کسانی که او را از نزدیک میشناختند، در غم و اندوه عمیقی فرو برد اما در عین حال مراسم های باشکوهی که در گرامیداشت او برپا شد، نشانه ای از قدرت این جنبش و عزم و اراده و

پیام اصغر کریمی به مراسم بزرگداشت شیرخان نبوی در کلن

میان کارگران و مردم محروم و ستمدیده بود. مراسم های متعدد و پرشوری که در ایران به هنگام خاکسپاری و یادبود او با سرود انترناسیونال و پرچم های سرخ برگزار شده است، نشانگر محبوبیت و جایگاه این فعال آگاه کارگری و نشاندهنده بلوغ جنبش کارگری و گامهای بلندی است که این جنبش به جلو برداشته است. جنبشی که با سنت های مدرن و فرهنگ پیشرو، در مقابل سنت های ناسیونالیستی و مذهبی، راه مقابل جامعه میگذارد. کارگران و مردم شریف کامیاران و سنجندگان و کرمانشاه و شهرهای دیگر با حضور وسیع خود در این مراسم ها و قرار گرفتن در کنار خانواده شیرخان، يك عمر مبارزه و فعالیت خستگی ناپذیر او برای رسیدن به يك جامعه انسانی را بزرگ داشتند و



صمیمانه تسلیت بگویم. شیرخان عضو چند تشکل کارگری و از سخنرانان و سازمان دهندگان مراسم های مختلف در دفاع از کارگران، کودکان و زنان بود. کسی که با جسارت و بی وقفه و با سری افراشته، از حقوق مردم دفاع میکرد و این رمز محبوبیت او در

مایلم از طرف کلیه اعضا و دوستداران حزب کمونیست کارگری ضایعه درگذشت شیرخان نبوی عزیز را به رفقای عزیز محمد آسنگران و مینا احدی، به همسر و فرزندان و پدر عزیزش، به خواهران و برادرانش، به حاضرین در این مراسم و به همزمان او و کلیه کارگران و مردم آزاده

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!